

## چین و افراط‌گرایی برگرفته از منطقه آسیای مرکزی

محمد کاظم سجاد پور<sup>۱</sup>

آسیه پور قربان نیاکی<sup>۲</sup>

در این مقاله تلاش شده تا تصویری از افراط‌گرایی در ایالت سین‌کیانگ چین، زمینه‌ها و عوامل تشدیدکننده آن ارائه شود. علاوه بر این نحوه برخورد و تعامل دولت مرکزی چین با ساکنان این ایالت نیز مطمح نظر قرار خواهد گرفت. اختلافات دینی و نژادی ساکنان سین‌کیانگ یعنی اویغورها با ساکنان اصلی کشور چین یعنی قوم هان، در کنار تأثیرپذیری از گروه‌های تندرو و اسلام‌گرایان در منطقه آسیای مرکزی از جمله عوامل بروز افراط‌گرایی در سین‌کیانگ می‌باشد. این سرزمین مستعد عدم‌ثبات و برخورد فزاینده بین چینی‌های هان‌نژاد و اویغورهای بومی است. یکی برای استیلا و دیگری برای خودمختاری یا استقلال از اکثریت چینی‌ها. این مقاله با تمرکز بر تأثیرات جریان‌های تندرو در آسیای مرکزی بر تمایلات افراط‌گرایانه و جدایی‌خواهانه در استان سین‌کیانگ، در پی یافتن پاسخ به این پرسش است که: دولت مرکزی چین برای مهار افراط‌گرایی در استان سین‌کیانگ چه راهبردهایی را در پیش گرفته است؟ در پاسخ باید گفت که دولت چین برای مهار این پدیده، یک استراتژی ترکیبی اتخاذ نموده است. در بخش اقتصادی، استراتژی توسعه‌بخشی در مناطق غربی چین دنبال شده؛ در بخش امنیتی سیاست سرکوب و در بخش فرهنگی اجتماعی سیاست کنترل مذهبی و سیاست تغییر جمعیت از مهم‌ترین اقدامات دولت چین در بُعد داخلی می‌باشد. در بُعد خارجی نیز تقویت روابط اقتصادی با همسایگان سین‌کیانگ، سرمایه‌گذاری در بخش‌های انرژی این منطقه و طرح راه‌اندازی جاده ابریشم در قالب استراتژی اقتصادی؛ استفاده از ظرفیت‌های سازمان همکاری شانگهای و تلاش برای ایجاد ثبات در کشورهای همسایه سین‌کیانگ در قالب استراتژی سیاسی امنیتی دنبال شده است. روش تحقیق در این مقاله با توجه به ماهیت آن، توصیفی-تحلیلی بوده و دامنه آن نیز آسیای شرقی و مرکزی را در بر خواهد گرفت.

**واژگان کلیدی:** سین‌کیانگ، چین، آسیای مرکزی، افراط‌گرایی و اسلام‌گرایی.

<sup>۱</sup> نویسنده مسئول، استاد دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه، تهران، ایران.

Email: Smksajjad@yahoo.com

<sup>۲</sup> کارشناسی ارشد مطالعات شرق آسیا، دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه، تهران، ایران.

Email: Poorghorban69@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۷/۳/۱۴ و تاریخ پذیرش: ۹۷/۶/۲۹

## مقدمه

استان یا ایالت سین کیانگ<sup>۱</sup> در منطقه‌ای کوهستانی\_بیابانی در شمال غرب چین و در همسایگی آسیای مرکزی واقع است. این ایالت در مرکز سرزمین‌های وسیع در میانه اوراسیا و همچنین در مسیر راه‌های ارتباطی مهم چین با کشورهایی در غرب آسیا و اروپا (در گذشته جاده ابریشم<sup>۲</sup>) قرار گرفته است. نام قدیمی این منطقه «ترکستان شرقی»<sup>۳</sup> بوده است. مرکز استان سین کیانگ، شهر اورومچی<sup>۴</sup> می‌باشد که اکثریت جمعیت آن را چینی‌های قوم هان<sup>۵</sup> (نژاد اصلی کشور چین) تشکیل می‌دهند (Warikoo, 2016).

منطقه سین کیانگ با مساحتی بالغ بر ۱۶۶۴۹۰۰ کیلومتر مربع، تقریباً معادل سرزمین ایران و یک ششم کل مساحت چین واقع در غرب این کشور است که با هشت کشور روسیه، مغولستان، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، افغانستان و پاکستان در جنوب غربی، جمعاً ۵۶۰۰ کیلومتر مرز مشترک دارد. این منطقه در سال ۱۹۵۵ توسط دولت مرکزی چین به عنوان منطقه خودمختار معرفی و در سال ۲۰۱۵ شصتمین سالگرد خودمختاری آن جشن گرفته شد (علمایی فر، ۱۳۹۶: ۱۴۷). در حال حاضر، جمعیت ساکن در این منطقه بالغ بر بیست میلیون نفر است که ۵۱ درصد آن از نژاد اویغور<sup>۶</sup> و سایر نژادهای اقلیت و بقیه از نژاد هان هستند (همان، ۱۴۸).

منطقه خودمختار سین کیانگ به دلیل برخورداری از منابع عظیم انرژی، موقعیت ویژه‌ای برای چینی‌ها در مقایسه با سایر استان‌های این کشور دارد. سین کیانگ نه تنها یک منبع انرژی مهم برای چین است، بلکه منطقه‌ای است بزرگ که چین را به روسیه و دیگر کشورهای آسیای مرکزی متصل می‌کند. بنابراین ترویج توسعه صنعت انرژی در سین کیانگ اهمیت بسیار حیاتی دارد و نه تنها برای امنیت انرژی چین، بلکه برای توسعه اقتصادی و اجتماعی منطقه نیز ضروری است. مجموع ذخایر گاز طبیعی، زغال سنگ و دیگر منابع فسیلی در سین کیانگ، بیش از ۲۰ درصد از ذخایر انرژی چین را به خود اختصاص داده است. ذخایر نفت در سین کیانگ در مجموع ۲۳،۴

<sup>1</sup>. Xinjiang

<sup>2</sup>. Silk Road

<sup>3</sup>. Eastern Turkistan

<sup>4</sup>. Urumqi

<sup>5</sup>. Han

<sup>6</sup>. Uyghur

میلیارد تن و منابع گازی تقریباً ۱۳ تریلیون متر مکعب است که ۲۳,۳ درصد کل منابع گاز طبیعی چین را تشکیل می‌دهد (Duan & et al, 2016). در حال حاضر سین‌کیانگ، حدود ۳۰ درصد از تولید گاز طبیعی و ۱۳ درصد از نفت خام چین را تشکیل می‌دهد و بنا به بعضی از برآوردها در حدود ۲,۲ تریلیون تن زغال‌سنگ دارد. سین‌کیانگ از نظر امنیت انرژی چین اهمیت بسیار زیادی دارد زیرا منطقه ترانزیت نفت و گاز به تعدادی از جمهوری‌های آسیای مرکزی است (Holdstock, 2014:3).

وجود اختلافات دینی، فرهنگی و اقتصادی مناطق محرومی چون سین‌کیانگ با دیگر مناطق چین باعث تنش‌های قومی در این منطقه شده است. ساکنان اصلی منطقه سین‌کیانگ، اویغورهایی هستند که قرن‌هاست در این منطقه زندگی می‌کنند. اویغورها از نظر مذهبی، مسلمان هستند و به زبان ترکی اویغوری صحبت می‌کنند، بنابراین با نژاد اصلی مردم چین یعنی نژاد هان تفاوت دارند. در سال‌های ۱۹۳۳ تا ۱۹۳۴ و ۱۹۴۴ تا ۱۹۴۶ پان‌ترکیست‌ها و مسلمانان کوشیدند در بخشی از منطقه یک جمهوری مستقل اویغورستان ایجاد کنند، اما با پیروزی کمونیست‌ها در جنگ‌های داخلی چین و با به رسمیت شناختن خودمختاری سین‌کیانگ، پکن خودگردانی سیاسی، فرهنگی و اقتصادی اویغورها را در چارچوب جمهوری خلق به رسمیت شناخت. با این وجود مخالفت‌ها با حضور چین در این منطقه کاهش نیافت. در دهه ۵۰ میلادی، پکن برنامه «مهاجرت توده‌ای چینی‌های هان تبار» را به سین‌کیانگ آغاز کرد و با این اقدام به خشم و نارضایتی بیشتر مردم این منطقه از دولت مرکزی دامن زد.

از سوی دیگر با توجه به نظریه دنگ شیائوپینگ<sup>۱</sup> مبنی بر ایجاد یک سری نقاط پیشرفته در مناطق ساحلی و جنوب شرقی چین و اینکه این نقاط می‌توانند همانند نیروی محرکه‌ای، دیگر نقاط کشور را به دنبال خود بکشند، مناطق توسعه‌یافته و ثروتمند به طور عمده در نواحی گفته شده شکل گرفت. اما طی مدت سی سال پس از اصلاحات، اختلاف شدید بین این مناطق با نواحی مرکزی و غربی این کشور از نظر سطح توسعه‌یافتگی پیدا شد و مناطق پیشرفته‌ای که قرار بود باعث توسعه مناطق دیگر شوند در انجام مأموریت مورد نظر دنگ ناتوان ماندند (وردی‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۰: ۳۴۴). بنابراین وجود اختلافات مذهبی، قومی و تاریخی از یک سو و اختلاف فاحش سطح توسعه‌یافتگی این منطقه با سایر نقاط

<sup>۱</sup>. Deng Xiaoping

چین از سوی دیگر، امکان گسستِ سین کیانگ را از چین فراهم کرده است. طوری که گاهی در این منطقه، شورش‌های اجتماعی رخ می‌دهد که به شدت از سوی دولت مرکزی چین سرکوب می‌شود. در شدیدترین این درگیری‌ها در سال ۲۰۰۹ حدود ۲۰۰ نفر کشته شدند. البته پس از سال ۲۰۰۹ نیز درگیری‌های متعددی میان اویغورها و نیروهای امنیتی چین رخ داده است.

از سوی دیگر حاکم بودن اسلام سنی و گاه افراطی در سین کیانگ و پیوندهای نزدیک آن با برخی مناطق مجاور نظیر کشورهای آسیای مرکزی باعث شدت یافتن تمایلات جدایی طلبانه آنان شده است که گاه به افراطی‌گری منجر می‌شود. در تعریف افراط‌گرایی نیز باید گفت: «عملی است که با استفاده از ایدئولوژی‌های افراطی از جمله ایدئولوژی افراط دینی به تجاوز علیه امنیت عمومی و تغییر اساسی در سیستم قانونی، منجر می‌شود. بنابراین مسئله نه خود دین، بلکه استفاده از دین به عنوان ابزاری برای رسیدن به اهداف سیاسی است» (موری و تاستی، ۱۳۹۵: ۴). چین نیز نگران گسترش این تمایلات در کشور خود است و امکان انتقال ناامنی‌ها را از آسیای مرکزی به کشور خود بسیار قابل توجه می‌داند (کولایی، ۱۳۸۵: ۳۵). بنابراین پرسش اصلی ما در این مقاله این است که دولت مرکزی چین برای مهار افراط‌گرایی و جدایی طلبی در استان سین کیانگ چه راهبردهایی را در پیش گرفته است؟ فرضیه مطرح شده عبارت است از دولت مرکزی چین با در نظر گرفتن جنبه‌های داخلی و خارجی این موضوع و برای جلوگیری از تکرار شورش‌ها و ایجاد ثبات در این منطقه، استراتژی‌های گوناگونی را در ابعاد داخلی و منطقه‌ای در پیش گرفته است. در بُعد داخلی؛ استراتژی کنترل مذهبی، تغییر دادن ترکیب جمعیتی، توسعه بخشی و کنترل امنیتی در این استان اتخاذ شده است و در بُعد خارجی نیز استراتژی افزایش پیوند سیاسی-اقتصادی با کشورهای آسیای مرکزی، طرح جاده ابریشم و استفاده از ظرفیت‌های سازمان همکاری شانگهای مورد توجه قرار گرفته است. روش تحقیق در این مقاله با توجه به ماهیت آن، توصیفی-تحلیلی بوده و دامنه آن نیز آسیای شرقی و مرکزی را در بر خواهد گرفت.

### چارچوب نظری

موضوع این مقاله در چارچوب مکتب کپنهاگ<sup>۱</sup> قابل فهم و تحلیل است. علت استفاده از مکتب کپنهاگ که آراء و اندیشه‌های واقع‌گرایی<sup>۲</sup> هم در این مکتب وجود دارد این است که موضوعات امنیتی چین در حال حاضر متنوع شده و امنیت صرفاً بعد نظامی را در بر نمی‌گیرد. همچنین بحث مهمی که در این مکتب وجود دارد، مجموعه امنیتی منطقه‌ای<sup>۳</sup> می‌باشد. این نظریه چارچوبی فراهم می‌کند که بر اساس آن می‌توان مناطق گوناگون جهان را بر اساس پیوندهای امنیتی موجود میان اعضایشان از یکدیگر جدا کرد (کرمی و عزیز، ۱۳۹۲: ۱۵۱). همان‌طور که در این مقاله اشاره خواهد شد چین برای مهار افراط‌گرایی به مجموعه امنیتی پیرامون خود توجه کرده و رهیافت اول، امنیت و سپس اقتصاد را در آسیای مرکزی در پیش گرفته است. به این ترتیب، باید در تحلیل پیوند چین با آسیای مرکزی به دنبال نظریه‌های امنیت‌محور منطقه‌ای رفت (همان، ۱۴۸).

بوزان<sup>۴</sup> با ارائه یک تعریف جامع، مجموعه امنیتی منطقه‌ای را چنین تعریف می‌کند، تعدادی از کشورها که در یک حوزه جغرافیایی مشخص و مرتبط پیرامون هم قرار دارند و حفظ امنیت یکی به منزله حفظ امنیت سایرین بوده و تهدید امنیت یک عضو به مثابه تهدید امنیت سایر اعضا تلقی می‌شود (بوزان، ۱۳۷۸: ۲۱۳). یعنی گروهی از دولت‌ها که نگرانی‌های اصلی امنیتی آنها تا اندازه‌ای به هم گره خورده که امنیت ملی آنها را به صورت منطقی نمی‌توان جدا از یکدیگر مورد توجه قرار داد (بوزان و ویور، ۱۳۸۸: ۵۶). بنابراین لازم است برای ارائه فهم مناسب از سرشت و سرنوشت امنیت یک کشور به ساختار درونی منطقه، ویژگی‌های کشورهای منطقه‌ای خاص قرار دارند و از معضلات امنیتی مشابهی برخوردارند، توجه کرد (بوزان، ۱۳۷۹: ۱۴). بوزان در مبحثی از امنیت منطقه‌ای، همبستگی‌های نژادی و فرهنگی را امری مهم قلمداد می‌کند چرا که اختلاف‌ها و همبستگی‌های فرهنگی و نژادی می‌تواند امنیت ملی را سست و زمینه را برای مداخله کشورها در امور یکدیگر تسهیل کند. همان‌گونه که زبان، مذهب و نژاد مشترک مردم سین‌کیانگ با اوغورهای آسیای مرکزی، امنیت ملی چین را با تهدید مواجه کرده است.

<sup>1</sup>. Copenhagen School

<sup>2</sup>. Realism

<sup>3</sup>. Regional Security Complex

<sup>4</sup>. Buzan

با توجه به اینکه از دیدگاه واقع‌گرایی، نظام بین‌الملل ماهیتی اقتدارگرا دارد و از سوی دیگر جغرافیا نیز خود را بر دولت‌ها (به لحاظ قرار دادن آنها در یک منطقه خاص) تحمیل می‌کند به نظر می‌رسد، واحدهای سیاسی بیش از آن که در گزینش همکاری‌های منطقه‌ای مخیر باشند، ملزم به آن هستند. در کنار این دو عامل ساختاری، درک این نکته نیز دشوار نیست که در عصر جهانی شدن، تهدیدها چنان ابعاد گسترده و شدتی دارند که مهار کردن و دفع آنان فراتر از توان دولت‌ها است و همین امر حکومت‌ها را هرچه بیشتر به سوی تعامل و همکاری‌های چندجانبه به ویژه در محدوده‌های منطقه‌ای سوق می‌دهد. در خصوص اهمیت امنیت در سطح منطقه‌ای معمولاً گفته می‌شود که جنگ‌های جهانی از این سطح آغاز می‌شوند، همان‌گونه که صلح مطمئن و پایدار در مناطق می‌تواند نخستین گام اساسی در حرکت به سوی صلح ماندگار جهانی باشد (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۲۱). در تعریف بوزان از مجموعه امنیتی منطقه‌ای پاره‌ای از شاخصه‌ها به چشم می‌خورد که عبارت هستند از ۱. حوزه جغرافیایی مشترک؛ ۲. منابع مشترک و ۳. تهدیدهای مشترک. مجموعه‌ها گویای نحوه نگرش هر دولت به محیط خود و رابطه آن با شدت تهدید نظامی و سیاسی و نزدیکی آنها از لحاظ محدوده دامنه ملاحظاتی امنیتی است (همان، ۲۱۷).

اگر دولت‌های منطقه سطح بالایی از مناسبات و همکاری‌های اقتصادی و سیاسی را داشته باشند، چنانچه این باور شکل گرفته باشد که سرنوشت کشورهای منطقه به یکدیگر پیوند خورده است در آن صورت می‌توان به مؤفقیت ساختارهای امنیت منطقه‌ای امیدوار بود. دولت‌های هر منطقه می‌توانند از راه همیاری در چارچوب سیستم‌های امنیتی که معمولاً منتهی به سازمان‌های امنیتی منطقه‌ای می‌گردد، امنیت خود را بهتر تأمین کنند. نهادهای منطقه‌ای، تجلی اراده کشورها برای همکاری و رسیدن به امنیت بیشتر و پایدارتر است. گذشته از این سازمان‌های مذکور سازوکارها و امکانات مناسبی برای تحقق اهداف دولت‌ها فراهم می‌کنند. سازمان‌ها و نهادهای منطقه‌ای با پیگیری راهبردهای گوناگون می‌توانند در زمینه ایجاد امنیت در سطح منطقه‌ای نقش‌آفرینی کنند (عسگری، ۱۳۸۲: ۵۹). جمهوری خلق چین نیز برای رسیدن به جایگاه یک ابرقدرت، نفوذ مؤثر در سازمان‌های منطقه‌ای را در اولویت قرار داده تا از ظرفیت‌های آنان در راستای تأمین انرژی و حفظ امنیت ملی خود استفاده کند (رفیع و بختیاری، ۱۳۹۲: ۸۱).

محققان و دولت‌مردان چین همیشه به مسائل امنیتی در ورای مرزهای سین‌کیانگ در آسیای مرکزی توجه بسیار داشته‌اند. سابقه طولانی ناامنی‌های منطقه‌ای و تأثیر آن بر سرزمین‌های شمال غربی چین از دلایل اصلی توجه چینیان است. نگاهی به تاریخ چین نشان می‌دهد که این کشور از قرن‌ها پیش از میلاد مسیح با تهدید از سوی اقوام مختلف در مرزهای شمال و شمال غربی روبه‌رو بوده است. در نیمه دوم قرن هجدهم میلادی، سلسله چینگ<sup>۱</sup> به دنبال وقوع بحران‌هایی در سین‌کیانگ (۱۷۵۵-۱۷۵۹) آنجا را با استفاده از نیروی نظامی ضمیمه خود ساخت. روسیه تزاری نیز از قرن هجدهم پیش‌روی در آسیای مرکزی را آغاز نمود و الکساندر دوم<sup>۲</sup>، امپراتور روسیه در سال ۱۸۵۸ ادامه پیروزی‌های کشور خود را در آن منطقه اعلام داشت. تجربه‌های بعد به ویژه در دوران شوروی نیز نشان داده است که اوضاع در آسیای مرکزی به طور مستقیم بر امنیت چین در دو محور شرقی-غربی و شمالی-جنوبی تأثیر اساسی دارد. این تأثیر در دوران جنگ سرد، مخصوصاً در دهه هفتاد میلادی با توجه به استقرار بیش از یک میلیون نفر سرباز و جنگ‌افزارهای هسته‌ای چین و شوروی در منطقه، بیشتر جنبه نظامی داشت. اما از اوایل دهه ۹۰ میلادی، تحت تأثیر عوامل تازه‌ای قرار گرفته است. پژوهشگران چینی، تهدید نظامی را که از ایام کهن تا فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی وجود داشته است، عامل سنتی و تهدیدهای گوناگون از قبیل جدایی‌طلبی، افراط‌گرایی و تروریسم را که از هنگام استقلال کشورهای آسیای مرکزی علیه امنیت منطقه پدید آمده است عوامل غیرسنتی می‌نامند (امیدوارنیا، ۱۳۸۳: ۸۴). بنابراین می‌توان تهدیدهای امنیتی سین‌کیانگ را به دو دسته تقسیم کرد؛ دسته اول تهدیدهایی که در درون مرزهای چین ریشه دارند و دسته دیگر آنهایی هستند که در ورای مرزهای رسمی قرار دارند، ولی در نهایت می‌توان نوعی وابستگی و عناصر مشترک بین هر دو عامل مشاهده نمود که در ادامه بیشتر با آنها آشنا می‌شویم.

### افراط‌گرایی در آسیای مرکزی

اولین نشانه‌های مشهود از فعالیت گروه‌های اسلام‌گرا در منطقه آسیای مرکزی در دهه ۷۰ میلادی مشاهده گردید. در این دوره ورود مخفیانه برخی از گروه‌های تبلیغی سلفی از

<sup>۱</sup>. Qing

<sup>۲</sup>. Alexander II

کشورهایی چون اردن، عراق و افغانستان، زمینه نفوذ افراط‌گرایی اسلامی را در این منطقه فراهم نمود. در سال‌های قبل از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی چهار گروه عمده اسلام‌گرا در آسیای مرکزی به خصوص در دره فرغانه<sup>۱</sup> ایجاد گردیدند که عبارت بودند از عدالت<sup>۲</sup>، برکت<sup>۳</sup>، توبه<sup>۴</sup> و اسلام لشکرلاری<sup>۵</sup> (شکاری، ۱۳۸۵: ۱۰۹). اسلام‌گرایی افراطی از اوایل دهه ۹۰ میلادی در آسیای مرکزی رشد پیدا کرد و این روند در تاجیکستان، یکی از عوامل بروز جنگ‌های داخلی بود. ظهور گروه‌های مخفی در ازبکستان و قزاقستان نیز تجلی اسلام تندرو بوده است (رفیع و دیگران، ۱۳۸۸: ۶۵).

تحولات در سین‌کیانگ، متأثر از عوامل سیاسی و دینی در آسیای مرکزی بوده است. موضوع اوغورها از دو جهت نگرانی چین را افزایش داده است؛ نخست جریان ملی‌گرایی جدایی‌طلب اوغور و دوم جریان بنیادگرایی اسلامی در مناطق شمال غربی چین. هنگامی که اتحاد جماهیر شوروی از هم فروپاشید و پنج جمهوری در آسیای مرکزی مستقل شدند از آنجایی که بخش‌هایی از مناطق شرق قرقیزستان و قزاقستان اوغور می‌باشند بنابراین استقلال این مناطق برای اوغورهای سین‌کیانگ تحریک‌کننده بود. از سوی دیگر، تأثیر جهاد مردم افغانستان علیه اشغال شوروی و سپس رشد اسلام‌گرایی در دوره پسا شوروی در آسیای مرکزی و همچنین حاکمیت چندساله طالبان<sup>۶</sup> در افغانستان و حضور القاعده<sup>۷</sup> در این دوره، مجموعاً جزء دلایل رشد بنیادگرایی در سین‌کیانگ بوده است (پاتنگر، ۱۳۸۹: ۲۲۶).

از سوی دیگر آزار و اذیت مردم اوغور توسط چینی‌ها، زمینه را برای برقراری رابطه آنها با سازمان‌های جهانی ایدئولوژیک مانند القاعده فراهم می‌کند. مقابله‌ی جهانی علیه تروریسم به رهبری ایالات متحده نیز سبب آزادی عمل چین جهت اقدام علیه اوغورها شده است. همچنین موجب شده القاعده و سازمان‌های پیرو آن به منطقه آسیای مرکزی نفوذ کرده و با جوانان رادیکال اوغوری ارتباط برقرار کنند (Patrick, 2010: 29).

<sup>۱</sup> Fergana Valley

<sup>۲</sup> Adolat (Justice)

<sup>۳</sup> Baraka (Blessings)

<sup>۴</sup> Tauba (Repentance)

<sup>۵</sup> Islam Lashkarlari (Warriors of Islam)

<sup>۶</sup> Taliban

<sup>۷</sup> Al-Qaeda



همچنین می‌توان جدایی‌طلبی اویغوری را بخشی از پان‌ترکیسم دانست. کانون اندیشه ترک‌گرایی نیز ترکیه است. میراث مشترک، تاریخ، زبان و دین در دهه اول قرن بیست‌ویکم، رابطه سازنده‌ای میان آسیای مرکزی و ترکیه به همراه داشت و برای رسیدن به نتایج مطلوب، تنوع جغرافیایی شبکه فتح‌الله گولن<sup>۱</sup> ضروری بود. نهضت گولن<sup>۲</sup>، پیشرفته‌ترین گروه اسلامی در منطقه است؛ چنانکه با پیشرفت‌های فناوری موافق است و تلاش می‌کند این پیشرفت‌ها را در زمینه‌های دینی تعدیل کند. نهضت گولن با گسترش گونه جدیدی از آموزش در پی ترکیب علوم اثباتی<sup>۳</sup> با علوم دینی است و مدارس مختلفی در استان‌های مختلف آسیای مرکزی ترتیب داده است (موری و تاستی، ۱۳۹۵: ۱۱). در سال ۲۰۱۴، دولت ازبکستان اولین دولتی بود که همه مدارس گولن را در کشور تعطیل کرد. بلافاصله پس از آن، دولت ترکمنستان نظام آموزش خصوصی را به نظام آموزش دولتی تبدیل کرد. پس از آن دولت تاجیکستان نیز از بیم آنکه این گروه در پی ایجاد دولت موازی است و با این ادعا که به دانش‌آموزان آموزش اسلام ارائه می‌کنند، مدارس گولن را تعطیل کرد. افزایش تمایل به جنبش‌های جهادی و افراط‌گرا در تاجیکستان، دولت را واداشت که از بیم بی‌ثباتی بیشتر، اقدامات و نظارت‌های سخت‌گیرانه را علیه جمعیت‌های اسلامی افزایش دهد. در حالی که این سیاست‌های سخت‌گیرانه منجر به تکثر بیشتر ستیزه‌ها و تحریک مخالفت‌ها گردید که فضایی برای رشد افراطی‌گری ایجاد کرد (همان، ۱۲).

امروزه گروه‌ها و احزاب سیاسی مختلفی در آسیای مرکزی حضور دارند و با اینکه دولت‌ها، اغلب آنها را با عنوان افراطی یا تروریست می‌شناسند، عمیقاً با یکدیگر متفاوت هستند و به اندیشه‌ها و سرچشمه‌های فکری مختلفی تعلق دارند. جنبش اسلامی ازبکستان<sup>۴</sup>، اتحادیه جهاد اسلامی<sup>۵</sup>، حزب التحریر<sup>۶</sup> و جماعت تبلیغی<sup>۷</sup> اصلی‌ترین گروه‌های اسلامی هستند که در آسیای مرکزی فعالیت می‌کنند. این باور وجود دارد که جنبش اسلامی ازبکستان و اتحادیه جهاد اسلامی از اجبار و دیگر ابزارهای خشونت‌آمیز برای رسیدن به اهدافشان استفاده می‌کنند. از

<sup>۱</sup>. Fethullah Gülen

<sup>۲</sup>. Gülen Movement

<sup>۳</sup>. Positive Sciences

<sup>۴</sup>. Islamic Movement of Uzbekistan (IMU)

<sup>۵</sup>. Islamic Jihad Union (IJU)

<sup>۶</sup>. Hizb ut Tahrir

<sup>۷</sup>. Tablighi Jama'at (TJ)

سال ۲۰۰۱ هر دو گروه علیه نیروهای ائتلاف در افغانستان می‌جنگیدند (Idrees, 2016:7). تندروترین گروه در این میان، نهضت اسلامی ازبکستان است که از اتحاد رهبران نهضت‌های عدالت، اسلام لشکرلاری و توبه در سال ۱۹۹۸ میلادی شکل گرفت. در دو دهه گذشته حملات تروریستی زیادی با هدف تأسیس یک دولت اسلامی از سوی این سازمان انجام شده است (موری و تاستی، ۱۳۹۵: ۸). بیشتر اعضای این جنبش، ازبک بوده و در دره فرغانه ساکن هستند. این جنبش از همان آغاز به درگیری مسلحانه روی آورد و اردوگاه‌هایی را در افغانستان و تاجیکستان برپا کرد (رفیع و دیگران، ۱۳۸۸: ۶۵). از سال ۲۰۰۴ این سازمان به دو شاخه تقسیم شد؛ یکی نهضت اسلامی ترکستان<sup>۱</sup> که رویای تأسیس خلافت منطقه‌ای سین‌کیانگ و جامعه ترک‌تبار آسیای مرکزی را در سر داشت و دیگری اتحاد جهاد اسلامی که شاخه نظامی جنبش اسلامی ترکستان معرفی شد. اتحاد جهاد اسلامی که بیشتر با القاعده و طالبان نسبت داشت به داعش<sup>۲</sup> نیز پیوست (موری و تاستی، ۱۳۹۵: ۸). تهدید داعش نیز نگرانی‌هایی جدی در میان کشورهای آسیای مرکزی ایجاد کرد. اطلاعات دقیقی درباره شهروندان کشورهای آسیای مرکزی که به داعش پیوسته‌اند وجود ندارد. مطابق نظر گروه بحران بین‌المللی<sup>۳</sup> تعداد افرادی که از آسیای مرکزی به داعش پیوسته‌اند بین ۲۰۰۰ تا ۴۰۰۰ نفر بوده است در حالی که بعضی کارشناسان تعداد بیشتر از ۴۰۰۰ نفر را مدنظر دارند (Idrees, 2016:7).

حزب التحریر اسلامی<sup>۴</sup> و حزب رنسانس اسلامی<sup>۵</sup> سازمان‌های معتدل‌تری هستند که آموزه‌های غیرخوشونت‌بار را تبلیغ، اما اهداف متفاوتی را دنبال می‌کنند. از یک سو، حزب التحریر با هدف تأسیس خلافتی فراملی، جزوهای تبلیغاتی منتشر می‌کند و از سوی دیگر حزب رنسانس اسلامی که نه در پی استقرار دولت اسلامی، بلکه مخالف امپریالیسم غربی و به دنبال ایجاد یک جامعه اسلامی است. هر دو گروه برای ثبات سیاسی کشورهای آسیای مرکزی خطرناک و در همه دولت‌ها غیرقانونی هستند.<sup>۴</sup> حزب التحریر به طور عمده در قرقیزستان و به ویژه در پی اقدامات شدید و سرکوب‌گرانه در ازبکستان حضور دارد (موری و تاستی، ۱۳۹۵: ۹-۱۰). نهضت

<sup>۱</sup>. The Islamic Movement of Turkestan (IMT)

<sup>۲</sup>. Daesh (Islamic State)

<sup>۳</sup>. International Crisis Group

<sup>۴</sup>. Hizb-ut-Tahrir al-Islami (HT)

<sup>۵</sup>. Islamic Renaissance Party (IRP)

<sup>۵</sup>. فعالیت‌های نهضت اسلامی در تاجیکستان تا اگوست سال ۲۰۱۵، قانونی بود.

چین و افراط‌گرایی برگرفته از منطقه آسیای مرکزی/ ۷۵

اسلامی ازبکستان و حزب التحریر بر این عقیده‌اند که دولت‌ها و مدیریت‌های اسلامی مورد حمایت آنها فاسد بوده و معنویتی در آنها دیده نمی‌شود، پس خواستار از بین بردن قهرآمیز این دولت‌ها هستند (رفیع و دیگران، ۱۳۸۸: ۶۵). هرچند حزب التحریر ادعا می‌کند که مخالف کاربرد خشونت است اما اسناد به دست آمده از اعضای این گروه نشان‌دهنده صدور مجور این حزب برای کاربرد زور می‌باشد. تعداد اعضای این حزب در ازبکستان که مرکز اصلی فعالیت آن در آسیای مرکزی می‌باشد بین هفده الی شصت هزار نفر تخمین زده می‌شود (شکاری، ۱۳۸۵: ۱۱۰).

جماعت تبلیغی یکی دیگر از جنبش‌های فراملی در منطقه است که می‌تواند به عنوان یک گروه نوپیدادگرا در نظر گرفته شود که بر رشد دینی افراد تأکید دارد و کمتر به دنبال تغییرات اجتماعی نظام‌مند است. این سازمان که در سال ۱۹۲۰ در هندوستان تأسیس شد، استفاده از خشونت را به عنوان ابزاری برای استقرار دولت اسلامی رد می‌کرد. بنابراین این گروه به دنبال استقرار خلافت یا تقویت فعالیت‌های جهادی نیست، اما ویژگی‌های محافظه‌کارانه و غیرسیاسی خود بر بازگرداندن مسلمانان به اسلام حقیقی تأکید دارد. به‌رغم اینکه قرقیزستان و دیگر کشورهای منطقه در سال ۲۰۱۳ فعالیت این گروه را ممنوع اعلام کردند، قرقیزستان هنوز فعالیت این گروه را ممنوع نکرده است (موری و تاستی، ۱۳۹۵: ۱۰). اکرمیه<sup>۱</sup> نیز از گروه‌هایی است که در سال ۱۹۹۳ در اندیجان<sup>۲</sup> ایجاد شد. اکرمیه مردم را به بازگشت به ریشه‌های خود (مانند همه سلفیون) دعوت کرده و درصدد نفوذ بر حاکمان منطقه و در مرحله بعد کنترل آنها می‌باشد. حزب النصره<sup>۳</sup> هم از جمله گروه‌های اسلام‌گرای افراطی فعال در سطح منطقه می‌باشد (شکاری، ۱۳۸۵: ۱۱۰). در این منطقه سه کشور ازبکستان، تاجیکستان و قرقیزستان به نسبت دو کشور قزاقستان و ترکمنستان، مشکلات بیشتری با رشد رادیکالیسم دینی داشته‌اند. در بین سه کشور فوق نیز دره فرغانه به دلیل شرایط مناسب جغرافیایی جهت اختفاء و قوت اعتقادات ساکنان این منطقه، مرکز فعالیت گروه‌های اسلام‌گرا می‌باشد (همان، ۱۱۶).

بنابراین باید دانست که چین نسبت به روندها و شوک‌های امنیتی منطقه آسیای مرکزی و تأثیراتی که این روندها می‌تواند بر امنیت ملی این کشور داشته باشد، بسیار

<sup>۱</sup>. Akromiya

<sup>۲</sup>. Andijan

<sup>۳</sup>. Hizb-an-Nusra

حساس و نگران است. شاید بتوان یکی از دلایل مهم این حساسیت را به فهم و ادراک تاریخی چین مربوط دانست که بر اساس این ادراک همواره بزرگ‌ترین تهدیدهای امنیتی برای این کشور از مرزهای شمال و غرب این کشور صورت گرفته و منجر به تصرف و از دست دادن بخشی از سرزمین چین شده است که به عنوان مثال می‌توان به تهاجمات قرن‌های ۱۳ و ۱۷ علیه این کشور اشاره داشت<sup>۱</sup> (زارع، ۱۳۹۵).

اگرچه اویغورها از نظر تاریخی اکثریت ساکنان سین‌کیانگ را تشکیل می‌دادند، اما امروزه نژاد چینی بیش از نیمی از جمعیت این ایالت را تشکیل می‌دهد و بیشتر مناصب دولتی و اجرایی را نیز در اختیار گرفته است (Rumer & et al, 2007:143). اویغورها علاوه بر چین در سایر جمهوری‌های آسیای مرکزی به طور پراکنده در حال زندگی هستند و این مسئله موجب نگاه ویژه و امنیتی چین به این جمهوری‌ها شده است. در قرقیزستان حدود ۵۰ هزار اویغور ساکن هستند و پکن به بیشکک برای جلوگیری از حمایت این گروه از اویغورهای چین فشار وارد ساخته است. دولت قرقیزستان با شدت عمل در قبال فعالیت گروه‌های اویغور در این کشور و دستگیری مظنونین به عضویت در جنبش‌های جدایی طلب در صدد رفع نگرانی‌های چین بوده است (محمودزاده، ۱۳۸۹).

طبق آمار رسمی چین از سال ۱۹۹۰ تا سال ۲۰۰۱ جدایی‌طلبان منطقه سین‌کیانگ که در آن مردم مسلمان مانند اویغور از یک و قرقیز به سر می‌برند به بیش از ۲۰۰ عمل تروریستی دست زدند که طی آن بیش از ۶۰۰ نظامی و غیرنظامی کشته شدند. قزاقستان هم نگران هجوم افراطیون اسلامی به این کشور شد که بیشتر در بین مهاجران غیرقانونی از چین ازبکستان، افغانستان و پاکستان به چشم می‌خوردند و در مناطق مرزی چین مخفی می‌شدند. دولت قزاقستان در سپتامبر ۱۹۹۸ دو اویغور را به کشور چین تحویل داد که متهم به عملیات تروریستی بودند. در سال بعد هم دو نفر به اتهام سازمان‌دهی عملیات تروریستی در تاشکند به ازبکستان تحویل داده شدند. اتباع کشور افغانستان و پاکستان هم به قصد رفتن به چین به‌طور متناوب دستگیر شدند (سلیمی و هفت‌آبادی، ۱۳۸۷: ۹۲).

<sup>۱</sup> . در اواسط قرن سیزدهم، چنگیزخان در مغولستان به قدرت رسید و قبایل متعدد مغول‌ها را یکپارچه و متحد ساخت و توانست با گذشتن از دیوار چین به مناطق شمال چین و کره حمله نموده و این مناطق را به تصرف خود درآورد (وردی‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۰: ۷۸). در قرن هفدهم نیز حمله متوالی مغول‌ها از مناطق شمالی و همچنین حمله ژاپنی‌ها به مناطق ساحلی باعث تضعیف سلسله مینگ (Ming) گردید و در نهایت منچوها توانستند در سال ۱۶۴۴ پکن را تصرف کنند (همان، ۸۰).

این نکته خیلی مهم است که ترس چین از حمایت مردمی در سین کیانگ جهت ایجاد یک جمهوری ترکستان شرقی جدید به هر حال بسیار بیشتر از حمایت واقعی مردم در سین کیانگ است. البته که ترس‌های چین بی‌مورد نیست. همان‌طور که گفته شد، اقلیت مسلمان سین کیانگ فعالیت‌های نظامی خود را از زمان استقلال کشورهای آسیای مرکزی افزایش داده‌اند. این موضع چین را نسبت به شورشیان و مخالفان، غرب با سکوت و خاموشی تأیید کرده است. چین، اسلام را به عنوان عامل اصلی در پس وقایع سین کیانگ می‌بیند. اما واقعیت این است که درست است که اسلام نقش مهمی در آسیای مرکزی بازی می‌کند، اما هنوز ارزش‌های سکولار در زندگی مردم وجود دارند. ترس چین به ویژه از این جهت است که برخی گروه‌های قومی در آسیای مرکزی که گروه‌های اقلیت در سین کیانگ محسوب می‌شوند، مثل تاجیک‌ها، قزاق‌ها و قرقیزها برای خودشان کشورهای مستقلی درست کرده‌اند، اما بزرگ‌ترین گروه اقلیت در سین کیانگ، یعنی اویغورها هنوز بدون کشور مانده است (همان، ۹۳).

### گروه‌های مهم جدایی طلب در سین کیانگ

دو گروه عمده جدایی طلب در سین کیانگ عبارت هستند از «جنبش اسلامی ترکستان شرقی»<sup>۱</sup> و «کنگره جهانی اویغور»<sup>۲</sup>. یکی از فعال‌ترین گروه‌هایی که از سین کیانگ تا وزیرستان فعالیت می‌کند، جنبش ترکستان شرقی است (موری و تاستی، ۱۳۹۵: ۱۳). جنبش اسلامی ترکستان شرقی در سال ۱۹۸۹ توسط ضیاء‌الدین یوسف<sup>۳</sup> و با هدف جدایی سین کیانگ از چین و اداره این منطقه توسط اسلام‌گراها، تأسیس شد. یوسف معتقد بود که مردم ترک‌زبان آسیای مرکزی نباید تحت کنترل هیچ کدام از دو دولت شوروی و چین باشند. این ایدئولوژی پان‌ترکیسم که با آموزه‌های اسلامی ترکیب شده بود خود به نوعی ناشی از شکست تهاجم اتحاد جماهیر شوروی از مجاهدین و نیروهای مبارز جهادی خارجی در افغانستان می‌شد. جنبش اسلامی ترکستان شرقی در تلاش برای ایجاد کشمکش بین سین کیانگ و دولت مرکزی چین با استفاده از خشونت افراط‌گرایان بود تا به اهداف سیاسی خود یعنی استقلال ترکستان شرقی دست یابد (Mumford, 2018:19). این سازمان با

<sup>1</sup>. East Turkestan Islamic Movement

<sup>2</sup>. World Uyghur Congress

<sup>3</sup>. Ziyauddin Yusuf

توجه به فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی توانست با احزاب و گروه‌های بنیادگرا در آسیای مرکزی ارتباط برقرار و سپس با حضور طالبان و القاعده در افغانستان همکاری‌هایی با آنها داشته باشد. هر چند جنبش اسلامی ترکستان شرقی با سرنگونی طالبان همکاری‌های خود را به نواحی وزیرستان پاکستان کشاند، اما با توجه به همکاری‌ها و هماهنگی‌ها با سایر جنبش‌های همگرا و بنیادگرا اقتدار خود را حفظ کرده است (رمضانی بونش، ۱۳۹۲).

این جنبش که حملات تروریستی زیادی در آسیای مرکزی و چین انجام داده، از سوی کشورهای چین، قزاقستان<sup>۱</sup> و آمریکا به عنوان سازمان تروریستی اعلام شده است. اعضای این گروه در پاکستان آموزش می‌بینند و در ارتباط نزدیک با جنبش اسلامی ازبکستان فعالیت می‌کنند و به ادعای چین از القاعده کمک مالی می‌گیرند (موری و تاستی، ۱۳۹۵: ۱۳).

کنگره جهانی اویغور نیز که گروهی استقلال طلب است در منطقه خودمختار سین کیانگ فعالیت می‌کند. این گروه پس از تأسیس در سال ۲۰۰۴ سعی می‌کند به عنوان نماد دموکراسی خواهی و حقوق بشر در سین کیانگ مطرح گردد. این کنگره معتقد است حرکت اعتراضی آنها یک حرکت دینی نیست و با جنبش اسلامی ترکستان شرقی رابطه‌ای ندارد. رهبران کنگره که در آمریکا مستقر هستند نیز تلاش می‌کنند تا با افزایش حمایت اروپا و آمریکا به فشار بر ضد پکن بپردازند. مخالفان در این کنگره بر این باورند که ترکستان شرقی یا سین کیانگ با داشتن بیش از ۱۳۰ نوع ماده معدنی، اگر قادر به بهره‌بری از معادن خود گردد جزء کشورهای ثروتمند قرار می‌گیرد، اما رویکردهای چین باعث شده جدا از هجوم گسترده زبان چینی عملاً به نسل‌کشی فرهنگی اویغورها و نادیده گرفتن فرهنگ و هویت اویغورها بیانجامد (رمضانی بونش، ۱۳۹۲). علاوه بر این دو گروه شناخته شده و تأثیرگذار، سخنگوی وزارت خارجه چین در نوامبر ۲۰۰۱ بیش از ۱۰ سازمان تروریستی مستقر در آسیای مرکزی، افغانستان و سین کیانگ را فهرست کرد که به هدایت خشونت در سین کیانگ و قسمت‌های دیگری از چین متهم بودند. برخی از این گروه‌ها به دنبال جدایی کامل و استقلال تام هستند و برای رسیدن به این هدف خود به اقدامات خشونت‌آمیز متوسل می‌شوند (سلیمی و هفت‌آبادی، ۱۳۸۷: ۹۴).

<sup>۱</sup> . فعالیت این سازمان با تصمیم دادگاه عالی جمهوری قزاقستان از ۱۵ اکتبر ۲۰۰۴، ممنوع شد.

بر اساس آنچه گفته شد، بیشتر اویغورها قویا مخالف آنچه که «استعمار نژاد هان» می‌خوانند، هستند و معتقد می‌باشند، اقدامات دولت چین باعث شده تا اویغورها مایل به مقاومت صلح‌آمیز و یا خشونت‌آمیز در برابر این فرآیند، باشند. بعضی از خوش‌بینان آنها به دنبال زنده نگاه داشتن ایده خودمختاری سین‌کیانگ در قانون اساسی چین هستند. آنها به دنبال کاهش حضور هان‌ها و همچنین استقلال داخلی بیشتر در روابطشان با پکن می‌باشند. اما بدبینان متقاعد شده‌اند که تنها راه‌حل، استقلال ملی و سرزمینی است. با این حال، دولت جمهوری خلق چین سعی دارد تا ثبات را در سین‌کیانگ حفظ کند و با هرگونه نظر و عملی که ممکن است تمامیت ارضی این کشور را که از سال ۱۹۴۹ به وجود آمده به خطر بیندازد به شدت مخالف است. از نگاه مقامات رسمی پکن، سین‌کیانگ جزء جدایی‌ناپذیر چین در ۲۰۰۰ سال اخیر بوده است (چانگ‌چینگ و دیگران، ۱۳۷۹: ۴۴). با آنکه اقوام ساکن در این استان از نظر تحصیلات، اقتصاد و فرهنگ مختلف بوده و نمی‌توان اهداف واحدی برای آنها تعریف نمود ولی می‌توان سه گرایش عمده را در این استان برشمرد. گروه اول با گرایش به یکسان‌سازی؛ این گروه که تعداد کمی دارند فقط خواستار فرصت‌های برابر با سایر مردم چین هستند. گروه دوم با گرایش به خودمختاری؛ این گروه خواستار حفظ فرهنگ، هویت و سنت‌های اویغوری و خودمختاری سیاسی هستند. گروه سوم با گرایش‌های جدایی‌طلبانه؛ همان اهداف گروه دوم را دارند ولی با استقلال کامل سیاسی. جدایی‌طلبان خود به دو گروه تقسیم می‌شوند؛ عده‌ای رسیدن به استقلال را از راه‌های مسالمت‌آمیز و صلح‌جویانه امکان‌پذیر می‌دانند ولی عده‌ای دیگر معتقدند که این امر فقط از طریق جنگ مسلحانه و اعمال خشونت‌آمیز امکان‌پذیر خواهد بود (Fuller & Starr, 2001:22).

به نظر می‌رسد، بدون داشتن رویکرد جامعی که شامل حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، دینی و اجتماعی باشد و بدون درگیر کردن کنش‌گران بین‌المللی، نیل به نتایج قابل‌توجه در زمانی کوتاه یا حتی در بلندمدت بسیار دشوار خواهد بود. دولت‌ها در آسیای مرکزی همیشه به دنبال راه‌کارهای سخت و خشونت‌آمیز<sup>۱</sup> بوده‌اند، در حالی که راه‌کار نرم<sup>۲</sup> و به دور از خشونت مورد توجه واقع نشده است. تکیه بر اقدامات امنیتی شدید، راه‌حل موثری برای دورنمای طولانی‌مدت آن نیست. بنابراین برای مقابله با تروریسم و افراط‌گرایی به

1. Sharp-End

2. Soft-End

ترکیبی از این دو شیوه نیاز داریم (موری و تاستی، ۱۳۹۵: ۱۶). ما در این بخش، رفتارهای استراتژیک چین را در محیط داخلی و خارجی مورد بررسی قرار می‌دهیم که خروجی نهایی آن بتواند به تأمین امنیت ملی این کشور کمک نموده و ظرفیت‌های بهتری در جهت مدیریت رفتارهای گریز از مرکز در محیط امنیتی غربی برای این کشور ایجاد نماید.

### استراتژی چین برای مهار افراط‌گرایی در بُعد داخلی

(۱) کنترل مذهبی: محدودیت‌های مذهبی منبع اصلی دیگری برای تنش‌های منطقه است. این امر شامل افزایش نظارت بر مسلمانان طی ماه رمضان (به ویژه در بین دانشجویان و شاغلان در موسسات دولتی است که نباید در این ماه روزه بگیرند یا در مساجد حاضر شوند) می‌باشد. همچنین امام جمعه‌ها بازداشت شده، مساجد بسته می‌شوند و اخیراً کسانی که در فضای مجازی افراط‌گرایی مذهبی را ترویج دهند، تحت تعقیب قرار می‌گیرند. اگرچه دولت چین به ندرت توضیح می‌دهد که منظور آن از افراط‌گرایی مذهبی چیست، اما این اصطلاح به صورت کلی به پایبندی به اعتقادات مذهبی اشاره دارد (Holdstock, 2014:2).

دولت چین به طور ویژه بر روی تهدید آموزه‌های اسلامی اویغور به عنوان یک تهدید بالقوه ویرانگر تمرکز کرده است. در ماه جولای سال ۲۰۰۹ که ماه رمضان بود، دولت نه تنها ممنوعیت مذهبی اعمال کرد، بلکه بسیاری از مسلمانان را مجبور به غذا خوردن می‌کرد. به طور مثال بعضی از دانشجویان مجبور به خوردن ناهار همراه با استادانشان بودند. ریش و سبیل ممنوع شد. زنان از پوشیدن حجاب و پوشش سر در بسیاری از اماکن عمومی سین‌کیانگ از جمله اورومچی، مرکز استان محروم شدند. تنها یک دهه پیش، حجاب در سین‌کیانگ امری نادر بود، اما این روزها تبدیل به یک نماد محبوب برای از خودگذشتگی مذهبی و نافرمانی سیاسی شده است. همچنین استفاده از برخی اسامی به دلیل داشتن زمینه مذهبی ممنوع شده است و مقامات در منطقه سین‌کیانگ چین برای تحمیل کنترل بیشتر بر اویغورها، مانع از انتخاب اسامی اسلامی برای نوزادان می‌شوند. استفاده از ۲۹ نام از جمله «محمد» و «اسلام» در منطقه سین‌کیانگ که اکثریت جمعیت آن را مسلمانان تشکیل می‌دهند، ممنوع شده است (هوشمند، ۱۳۹۳).



در پاسخ به افزایش بنیادگرایی مذهبی، چین برنامه «جنگ در برابر وحشت»<sup>۱</sup> را در برابر تجزیه‌طلبان اویغور در سین‌کیانگ به راه انداخته است. سیاست‌های مرکزی هم ارتباطات اویغورها و هان‌ها را بدتر کرده است. بسیاری از هان‌های سین‌کیانگ این موج اعتقادات مذهبی را به عنوان تهدیدی برای امنیت ملی در نظر می‌گیرند و در نتیجه، نظارت شدیدتری بر اعمال مذهبی اویغورها ایجاد شده است (Qiu, 2014:28). مقامات دولت مرکزی چین ادعا می‌کنند به دلیل نگرانی از نفوذ و گسترش افراط‌گرایی و مبارزه با این پدیده این قوانین را تدوین کرده‌اند. اما به گفته فعالان اویغور و گروه‌های حقوق بشری این ممنوعیت ابراز عقاید مذهبی است که می‌تواند به تندروی و رادیکالیسم منجر شود. در مقررات ۱۵ ماده‌ای که توسط پارلمان محلی سین‌کیانگ تصویب شده است با آثار و نشانه‌های افراط‌گرایی مقابله کنند. همچنین مقامات محلی در ایالت سین‌کیانگ دستور دادند خانواده‌های مسلمان که کودکان زیر ۱۶ سال آنها یکی از نام‌های ممنوع شده را دارند باید برای تغییر آن اقدام کنند (شفیعی، ۹۶). این مقررات، فعالیت‌های مذهبی را تنها محدود به مساجدی می‌داند که به صورت رسمی تأیید شده‌اند. از این رو، فعالیت‌های مذهبی مانند نماز، خواندن قرآن، فراگیری و تدریس اسلام به صورت عمومی یا در منزل غیرقانونی است. به علاوه، افراد زیر ۱۸ سال اجازه رفتن به مسجد را ندارند و والدین و معلمان آنها باید این اطمینان را بدهند که آنها مذهب را فرانگرفته و اعمال نمی‌کنند. به این صورت اعمال مذهبی که بخشی از اعمال روزانه مسلمانان معتدل است به صورت غیرقانونی در نظر گرفته شده و افراط‌گرایی مذهبی نامیده شده می‌شود (Meyer, 2016:9).

در نتیجه این سرکوب‌ها، ترور به صورت عمومی افزایش یافته است. در مارس ۲۰۱۴ یک اویغور در ایستگاه قطار کامینگ، ۱۵۰۰ مایلی جنوب اورومچی با استفاده از چاقو ۳۱ نفر را کشت. همچنین یک بمب‌گذار انتحاری هشت نفر را در جنوب سین‌کیانگ به قتل رساند. اقدام تلافی‌جویانه دولت به این حوادث هم وحشیانه بوده است. در آگوست هان سال، رسانه‌های دولتی چین گزارش دادند که افسران پلیس ۵۹ تروریست را کشته‌اند و ۲۱۵ نفر را در پاسخ به حمله تروریستی ماه جولای که ۳۷ نفر کشته و ۱۳ نفر زخمی شده بودند بازداشت کردند. در نتیجه این اقدامات بسیاری از اویغورها دست به مهاجرت زده‌اند. ۲۶۰ هزار اویغور به خاطر پیدا کردن آزادی مذهبی از سین‌کیانگ فرار کرده و به قزاقستان

<sup>۱</sup>. War on Terror

مهاجرت کرده‌اند. حدود ۶ هزار اویغور هم در شرایط بدی در ترکیه زندگی می‌کنند. در میان این مهاجران ۳۰۰ نفر هم به داعش پیوسته‌اند (هوشمند، ۱۳۹۳).

بنابراین چین سیاست فشار بر فعالیت‌های اسلامی و امامان مساجد، تزریق زبان چینی، تغییر جغرافیای جمعیتی، گسترش کنترل‌های مذهبی (اغلب فعالیت‌های آموزشی و عمومی اسلامی ممنوع شده و حتی تحصیل در خارج از کشور برای دانشجویان مسلمان مشکل‌تر شده است) را به اجرا گذارده است. این رویکردها اعتراض‌های نهادهای بین‌المللی چون سازمان‌های عفو بین‌الملل و بازرسان حقوق بشر را نیز برانگیخته است (رمضانی بونش، ۱۳۹۲).

۲) تغییر دادن ترکیب جمعیتی: یکی از اولویت‌های اصلی یا اصلی‌ترین اولویت یک دولت مدرن حفظ انسجام سرزمینی خود است. حفظ انسجام سرزمینی نیز با استراتژی‌های متفاوتی صورت می‌گیرد. یکی بحث توسعه اقتصادی است که چینی‌ها در پیش گرفته‌اند. دومین مؤلفه این استراتژی پیوند زدن حاشیه به مرکز و بحث متعادل کردن ترکیب جمعیتی مناطق پیرامونی است. در مناطق پیرامونی به طور سنتی غلبه با جمعیت و نژاد و مذهبی است که با نژاد اصلی متفاوت بوده، بنابراین در روند توسعه اقتصادی، دولت چین با فراهم آوردن انواع امکانات برای قوم هان در آن منطقه سعی کرده برتری جمعیتی اویغورها را تغییر دهد و به نوعی به برتری قوم هان، تغییر شکل یابد (شریعتی‌نیا، ۱۳۸۸).

استراتژی کنترل به وسیله تصرف نوعی خاص از استراتژی است که چینی‌ها همواره در ادوار گذشته برای مدیریت و کنترل رفتار اویغورهای سین‌کیانگ دنبال کرده و بر اساس این استراتژی تلاش نموده‌اند تا با تشویق و گسیل نمودن مهاجران چینی به خصوص قوم هان به استان سین‌کیانگ، ترکیب جمعیتی منطقه را دستکاری و تغییر داده و در نتیجه چنین تصرفی کنترل این منطقه را متناسب با منافع سیاسی و امنیتی خود به دست گیرند. افزایش ۵۰ درصدی جمعیت قوم هان در این منطقه خود می‌تواند گویای چنین مسئله‌ای باشد. اما مسئله مهم و اساسی در بینش تصمیم‌سازان چینی آن است که این استراتژی به تنهایی نمی‌تواند هدف بلندمدت چین که «برگشت ناپذیری تهدیدهای امنیتی» در محیط امنیتی غربی خود است را محقق نماید. از این رو گسترش دامنه استراتژی کنترل چین به مناطق مجاور سین‌کیانگ به خصوص منطقه آسیای مرکزی نیز در باور و بینش تصمیم‌سازان چینی از ارجحیت خاصی برخوردار شده است و حتی برخی از تحلیل‌گران نظامی چین معتقدند که چین می‌بایست عمق استراتژیک خود را در محیط غربی خود تعریف نماید و این مناطق را

چیزی بیشتر از یک «مرز» در محاسبات خود وارد نماید. از این رو این افراد پیشنهاد می‌کنند که سیاست‌های چین می‌بایست به گونه‌ای پیش رود که تعادلی ژئواستراتژیک میان محیط امنیتی شرقی این کشور یعنی منطقه آسیا-پاسفیک و محیط امنیتی غربی چین یعنی سین‌کیانگ و آسیای مرکزی برقرار شود (زارع، ۱۳۹۵).

در ابتدای انقلاب چین، چینی‌های «هان» حدود ۴ درصد (یا کمتر) از جمعیت سین‌کیانگ را تشکیل می‌دادند اما در حال حاضر میزان جمعیت قوم هان به بیش از ۴۰ درصد رسیده است. در تبت هم به همین شکل است به این صورت که تبتی‌ها می‌گویند که با تغییر جمعیت این منطقه به نفع قوم هان دولت چین سعی می‌کند که بومیان تبت را حاشیه‌نشین کند. بنابراین این بخشی از واقعیت قضیه است که نهاد دولت در چین برای تداوم انسجام سرزمینی خود در این مناطق یک بخشی از جمعیت خود از قوم هان را با مکانیسم‌های تشویقی به این منطقه مهاجرت داده تا بتواند چسبندگی این مناطق به مرکز را بیشتر کند (شریعتی‌نیا، ۱۳۸۸). بنابراین با توجه به جمعیت کم سین‌کیانگ نسبت به سایر مناطق این کشور، چین بر آن بوده تا با توجه به رویکردهای گوناگون اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، امنیتی و سیاسی ضمن گسترش حضور خود در این منطقه دست به مبارزه با جدایی‌طلبی قومی و بنیادگرایی مذهبی اسلامی بپردازد. در همین راستا از یک سو دولت چین برای اکتشاف معادن مختلف منطقه، سرمایه‌گذاری‌های کلانی انجام داده و بخش‌های مهمی از صنایع تسلیحاتی و پایگاه آزمایش‌های سلاح‌های هسته‌ای خود را در این منطقه مستقر کرده است (مضانی بونش، ۱۳۹۲).

**۳) حضور دائمی ارتش آزادی‌بخش خلق و پلیس مسلح خلق:** دولت چین معتقد است برای مبارزه با افراط‌گرایی مذهبی و خشونت‌های تروریستی در سین‌کیانگ به حضور شدید نیروهای امنیتی نیاز است. پکن به تقویت استقرار پلیس مسلح خلق شبه‌نظامی در سراسر سین‌کیانگ، می‌پردازد. نیروهای امنیتی به طور منظم بر خیابان‌ها، مدارس و اینترنت برای هرگونه فعالیت‌های مذهبی تأیید نشده، نظارت می‌کنند. در تفکرات مقامات حکومتی چین، تقویت امنیت در سراسر منطقه نه تنها برای جلوگیری از ناآرامی‌ها است، بلکه به منظور محدود کردن گسترش ایده ایجاد اتحادیه پان‌ترک‌ها تحت حاکمیت اسلامی است.

مقامات مرکزی و منطقه‌ای چین در سین‌کیانگ محدودیت‌های ارتباطی زیادی را بر فعالیت‌های اینترنتی اعمال می‌کنند طوری که برخی مقامات از شهروندان خواسته‌اند نرم‌افزاری<sup>۱</sup> را بر روی تلفن همراه خود نصب کنند. این نرم‌افزار این اجازه را به دولت می‌دهد تا بتواند به صورت آنلاین فعالیت‌های مجازی و تحرکات تروریستی و همچنین فعالیت‌های غیرقانونی مذهبی شهروندان را رصد کند. عملکرد این نرم‌افزار به گونه‌ایست که مجموعه اطلاعات دریافتی از تلفن همراه را با تمامی داده‌ها و جزئیات به سرور پلیس منتقل می‌کند و پس از بررسی موارد مشکوک، تمامی اطلاعات در اختیار محافظان امنیتی دولت قرار می‌گیرد (Lynn, 2018).

مقامات منطقه خودمختار سین‌کیانگ اویغور<sup>۲</sup> برخلاف قوانین چین و مغایر با استانداردهای حقوقی بین‌المللی، امکان سفر آزادانه اویغورها را محدود می‌کنند. در اکتبر سال ۲۰۱۶ مقامات این منطقه به شهروندان دستور دادند تا گذرنامه‌هایشان را حداکثر تا مدت چهار ماه به پلیس تحویل دهند (Wong, 2016: 2). این عمل موجب انتقاد گسترده فعالان حقوق بشر شده است و دیده‌بان حقوق بشر این اقدام را موجب «نقض حق آزادی رفت‌وآمد مردم» می‌داند. همچنین پلیس از ساکنان این منطقه خواسته هنگام ارائه درخواست برای گرفتن گذرنامه، نمونه خون، اثر انگشت و صدای ضبط شده خود ارائه دهند (روزنامه شرق، ۱۳۹۵). در اکتبر ۲۰۱۷، گزارش‌ها حاکی از آن بود که مقامات دامنه اخذ گذرنامه‌ها را به اویغورهای ساکن در نواحی بیرون از چین گسترش داده‌اند و آنها را ملزم کرده‌اند تا گذرنامه‌هایشان را به نزدیک‌ترین ایستگاه پلیس یا به مدرسه‌شان تحویل دهند (Radio Free Asia, 2017).

۴) توسعه بخشی غرب چین: حزب کمونیست چین<sup>۳</sup> بعد از انقلاب فرهنگی باور داشت که توسعه اقتصادی بهترین و نهایی‌ترین راه‌حل برای تمام مشکلات سیاسی و اجتماعی است به اصطلاح «توسعه اصل مطلق است»<sup>۴</sup> (Yin, 2015:2). منطقه سین‌کیانگ به لحاظ امنیتی و اقتصادی از درجه اهمیت بالایی برای چین برخوردار است. برخورداری از چنین درجه اهمیتی باعث شده که طی این سال‌ها، دولت چین با مشاهده‌ی هرگونه ناآرامی و تحرکات جدایی‌طلبانه واکنش تندی از خود نشان دهد. در کنار استراتژی سرکوب، دولت مرکزی چین برنامه‌های اقتصادی گسترده‌ای را نیز جهت مهار افراط‌گرایی در این منطقه به

<sup>1</sup> Web-Cleansing Guard

<sup>2</sup> Xinjiang Uyghur Autonomous Region (XUAR)

<sup>3</sup> The Chinese Communist Party

<sup>4</sup> "Development is the Absolute Principle"

انجام رسانیده است. از نظر نخبگان سیاسی چین، هر اندازه استان سین‌کیانگ به لحاظ اقتصادی توسعه‌یافته‌تر باشد به همان اندازه گرایشات قومی و تجزیه‌طلبانه در این منطقه کمتر خواهد شد (Wong, 2003:4). در همین راستا، انتقال مالیات از دولت مرکزی به سین‌کیانگ از ۵,۹۱ میلیارد یوان در سال ۱۹۹۶ به ۱۸,۴ میلیارد یوان در سال ۲۰۰۱ افزایش یافته است. با این وجود، توسعه اقتصادی موفق به ارائه آنچه که سیاست‌گذاران انتظار داشتند به خصوص مسئله کاهش تنش‌های قومی نشده است. (Wu & Song, 2013:7) همچنین یکن یک برنامه پنج‌ساله برای توسعه اقتصادی سین‌کیانگ در سال ۲۰۰۳ ارائه داده که ۷ میلیارد دلار به آن اختصاص داده است. با وجود اینکه دولت در ایالت سین‌کیانگ سرمایه‌گذاری‌های قابل ملاحظه‌ای در زیر ساخت‌ها انجام داده و رشد تولید ناخالص داخلی این منطقه نسبت به کل کشور از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۹ به غیر از سال ۲۰۰۹ بالاتر بوده است، بهبود اوضاع اقتصادی نتوانسته شکاف درآمدی بین اقلیت‌ها نسبت به قوم هان را کاهش دهد. اقتصاد حاکم بر استان به نفع چینی‌های هان‌نژاد است و حدود ۸۰ درصد مشاغل مهم در صنایع نفت و گاز و حمل‌ونقل در اختیار آن‌هاست (Wei & Cuifen, 2012:59). عدم توانایی بسیاری از اویغورها برای صحبت به زبان چینی ماندراین باعث شده است تا آنها قدرت رقابت کمتری در بازار شغل داشته باشند (Yin, 2015:40).

از سوی دیگر، رشد اقتصادی و توسعه منجر به بازسازی شهری شده که بسیاری از معماری اویغورها را از میان برداشته و ساختمان‌هایی جدید با سبکی مدرن را جایگزین آنها کرده است. سرمایه‌گذاران و توسعه‌دهندگان املاک با قومیت هان، سرمایه‌گذاری زیادی در سین‌کیانگ انجام دادند و افزایش مهاجران هان هم به معنای افزایش تقاضا برای ملک است. گاهی اوقات این طرح‌های بازسازی، روی ساختمان‌های مذهبی، معماری‌های سنتی اسلامی و مساجد تأثیر می‌گذارند و منجر به اختلافات نژادی و حتی در بعضی موارد منجر به خشونت در بین مقامات هان و اقلیت اویغورها می‌شوند (Qiu, 2014:28). این بازسازی‌ها باعث شده حدود ۸۰ درصد از شهر قدیمی کاشغر<sup>۱</sup> ویران شود (Holdstock, 2014:2).

رهبران چینی، راه‌حل جدایی‌طلبی در سین‌کیانگ را توسعه اقتصادی می‌دانند و تصور می‌کنند که اگر منطقه بتواند به اندازه کافی رشد کند، اویغورها قوانین چینی را قبول خواهند کرد و نارضایتی‌های آنان ناپدید خواهد شد. در کوتاه‌مدت و میان‌مدت، این درمان

<sup>۱</sup>. Kashgar

اقتصادی ممکن است در معیشت مردم تأثیر بگذارد و خدمات عمومی بهبود یابد اما چالش‌های قابل پیش‌بینی در فرآیند توسعه وجود دارد. نوسازی اقتصادی بسیاری از ساکنان روستایی را به شهرها خواهد آورد و این کارگران مهاجر ممکن است به سمت رادیکالیزه شدن سوق یابند. به عنوان مثال، بسیاری از آشوبگران در خشونت‌های شهر اورومچی جوانانی بودند که از مناطق روستایی در جنوب سین‌کیانگ شهرنشین شده‌اند. همچنین، اگرچه دولت چین به توسعه اقتصادی در سین‌کیانگ اولویت داده است اما حفظ ثبات و مبارزه با جدایی‌طلبی قومی همچنان از اهمیت حیاتی برخوردار است و نشانه‌هایی از آمادگی پکن برای استفاده از زور علیه جدایی‌طلبان وجود دارد (Wei & Cuifen, 2012:62). اگر اوینغورها سهمی از مزایای رشد اقتصادی نداشته باشند، غیر ممکن است که بتوان ثبات دراز مدتی را در سین‌کیانگ ایجاد کرد، چه برسد به قوانین دموکراتیک (Yin, 2015:41).

### استراتژی چین برای مهار افراط‌گرایی در بُعد خارجی

۱) تعامل چین با کشورهای آسیای مرکزی: منطقه آسیای مرکزی یکی از مناطقی است که چین به شکل سنتی و از دوران بسیار دور، ارتباط نزدیکی با آن داشته است. شاید مهم‌ترین دلیل این موضوع همسایگی جغرافیایی منطقه آسیای مرکزی با چین و پیوستگی‌های اجتماعی، فرهنگی و جمعیتی بوده باشد. به هر حال، فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و باز شدن فضای آسیای مرکزی نیز زمینه مناسبی را برای برقراری دوباره پیوندها میان چین و جمهوری‌های نواستقلال فراهم کرد. از آن زمان تاکنون، رابطه چین با جمهوری‌های آسیای مرکزی در ابعاد گوناگون جریان داشته است. این روابط تاکنون هم در شکل روابط دوجانبه و هم در شکل نهادی نمود پیدا کرده است (امیراحمدیان و صالحی دولت‌آباد، ۱۳۹۲: ۲).

ملاحظات جدید امنیتی چین در خصوص استان سین‌کیانگ پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، اهمیت ویژه‌ای در سیاست خارجی این کشور پیدا کرده است. استراتژیست‌های چینی، آسیای مرکزی را عقبه استراتژیک خود در جهت تأمین امنیت مناطق غربی و ظهور صلح‌آمیز<sup>۱</sup> در این مناطق می‌دانند (رفیع و بختیاری، ۱۳۹۲: ۹۸). نقطه شروع حرکت برای درک رویکردهای چین نسبت به آسیای مرکزی دنگ شیائوپینگ است، کسی که در اوایل

<sup>۱</sup>. Peaceful Rise

دهه ۹۰ میلادی اذعان کرد که «چین باید خود را به موش‌مردگی بزند و منتظر فرصت برای تصمیم‌گیری باشد» (رفیع و دیگران، ۱۳۸۸: ۷۱).

وجود منابع قابل توجه انرژی در منطقه استراتژیک آسیای مرکزی سبب شده تا پکن توجه بیشتری به این منطقه داشته باشد. علاوه بر همجواری ژئوپلیتیک و اهمیت خاص این منطقه برای چین، رهبران این کشور تداوم و گسترش روابط خود با کشورهای این منطقه در عرصه اقتصادی با هدف حفظ ثبات سیاسی و اجتماعی در داخل و به خصوص مناطق مرزی چون سین‌کیانگ را سرلوحه سیاست خارجی خود قرار داده‌اند. وجود ناامنی در مرزهای غربی استان مسلمان‌نشین سین‌کیانگ که با کشورهای آسیای مرکزی هم‌مرز است، چین را ناگزیر از توسعه روابط با جمهوری‌های آسیای مرکزی کرده است (امیراحمدیان و صالحی دولت‌آباد، ۱۳۹۲: ۱). چین امیدوار است که با ایجاد این استان به عنوان یک دروازه به «پل سرزمین اوراسیا»<sup>۱</sup> از طریق آسیای مرکزی به اروپا، یکی از بزرگ‌ترین تهدیدهای امنیت داخلی خود را کاهش دهد. در برنامه کار مارس ۲۰۱۵ برای طرح جاده ابریشم جدید عنوان شد که چین قصد دارد تا از مزایای جغرافیایی سین‌کیانگ بهره‌برداری کند و آنجا را به مرکز اصلی برای حمل و نقل، تجارت، پشتیبانی لجستیکی، فرهنگ، علوم و آموزش تبدیل سازد (Zimmerman, 2015:6). چین از دهه ۹۰ میلادی به بعد، میزان تعاملات و ارتباطات خود با کشورهای منطقه آسیای مرکزی به خصوص در حوزه اقتصادی را افزایش داد و سرانجام در سال ۲۰۱۲ توانست روسیه را به عنوان شریک مسلط تجاری بازیگران این منطقه پشت سرگذارد و خود به شریک مسلط تجاری با این کشورها تبدیل شود (زارع، ۱۳۹۵). از این رو، پکن همگرایی بیشتر با آسیای مرکزی را حیاتی می‌بیند زیرا منجر به حصول اطمینان از تأمین انرژی و حفظ ثبات در منطقه سین‌کیانگ می‌شود (امیراحمدیان و صالحی دولت‌آباد، ۱۳۹۲: ۹).

سهم و حجم تجارت چین با کشورهای آسیای مرکزی از ۵,۷ درصد در سال ۲۰۰۲ به ۲۰ درصد در سال ۲۰۱۲ افزایش داشته است. این درحالی است که طی همین دوره سهم روسیه از این میزان از ۱۸,۲ درصد به ۱۵,۷ درصد کاهش یافته است و به نظر می‌رسد که با پیش‌برد طرح «کمر بند اقتصادی جاده ابریشم»<sup>۲</sup> توسط چین در منطقه این کاهش همچنان ادامه داشته باشد. آمارهای صندوق بین‌المللی پول نیز نشان می‌دهد درحالی که در سال

<sup>1</sup>. Eurasian Land Bridge

<sup>2</sup>. Silk Road Economic Belt

۲۰۰۰ کل تجارت چین با منطقه‌ی آسیای مرکزی تقریباً ۱ میلیارد دلار بوده است، این میزان در سال ۲۰۱۰ تقریباً سی برابر افزایش یافته و در سال ۲۰۱۴ نیز به بیش از ۵۰ میلیارد دلار افزایش یافته است. در تأیید آمارهای گذشته هم چنین آمارهای ارائه شده از طرف گمرک سین‌کیانگ نیز چنین افزایشی را تأیید می‌کند. آمارها نشان می‌دهد که حجم کل واردات و صادرات صورت گرفته از این گمرک به آسیای مرکزی از ۲۲,۲۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۹ به تقریباً ۵۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۵ افزایش داشته است. در سال ۲۰۱۵ صادرات سین‌کیانگ به قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان به ترتیب ۶۲,۳ درصد، ۷۴,۷ درصد و ۷۶,۷ درصد از کل صادرات این منطقه به عنوان دروازه صادرات چین به آسیای مرکزی را تشکیل داده است (زارع، ۱۳۹۵).

بخش مهمی از استراتژی کلی استفاده از آسیای مرکزی برای اطمینان از معیشت اقتصادی سین‌کیانگ است. پکن قاطعانه معتقد است که رشد اقتصادی در آسیای مرکزی ثبات را در چین و منطقه تقویت می‌کند؛ لذا به طور گسترده در حال سرمایه‌گذاری در منطقه است و بزرگراه‌ها، خطوط لوله، راه‌آهن و شبکه‌های برق می‌سازد تا از توسعه اقتصادی\_اجتماعی منطقه و اینکه رژیم‌های منطقه در قدرت می‌مانند، مطمئن شود (امیراحمدیان و صالحی دولت‌آباد، ۱۳۹۲: ۷). چین برنامه‌های گسترده‌ای برای افزایش تعامل با کشورهای این منطقه در آینده دارد، برنامه‌هایی که نماد آن احداث چند خط لوله جدید در یک دهه آینده برای انتقال انرژی این منطقه به بازار چین است. به علاوه، دولت چین برنامه‌ای را برای تبدیل کردن سین‌کیانگ به کانون انرژی منطقه تهیه کرده است، برنامه‌ای که حدود ۱۰۰ میلیارد یوان برای اجرای آن هزینه خواهد شد (همان، ۱۴). بنابراین وجود ناامنی و ظرفیت‌های واگرایی در سین‌کیانگ سبب شده است تا روابط پکن با کشورهای آسیای مرکزی بیش از پیش گسترش یابد.

۲) طرح جاده ابریشم: در سپتامبر ۲۰۱۳ شی جین‌پینگ<sup>۱</sup>، رئیس‌جمهور چین در سفر به کشورهای آسیای مرکزی، طرح ابتکار کمربند اقتصادی جاده ابریشم را مطرح کرد. شی جین‌پینگ در دانشگاه نظربایف قزاقستان، پیشنهاد داد که چین و آسیای مرکزی دست به

<sup>۱</sup>. Xi Jinping



چین و افراط‌گرایی برگرفته از منطقه آسیای مرکزی/ ۸۹

دست هم دهند و کمربند اقتصادی جاده ابریشم را برای همکاری‌های بیشتر در منطقه بسازند (امیراحمدیان و صالحی دولت‌آباد، ۱۳۹۵: ۱۵).

وی از کشورهای آسیای مرکزی خواست به ایجاد کمربند اقتصادی جاده ابریشم جدید که منافع گسترده اقتصادی برای منطقه خواهد آورد بپیوندند. هدف این پیشنهاد کمک به کشورهای اوراسیایی به ویژه جمهوری‌های آسیای مرکزی است که توسعه سریع اقتصادی را برای آنها و چین به همراه دارد. طرح جاده ابریشم چین، احیای جاده ابریشم قدیم<sup>۱</sup> و توسعه آن را مدنظر دارد. این طرح با هدف اعمال سیاست‌های دوستانه در قبال کشورهای همسایه و ارائه بازی برد\_برد برای همه کشورهای منطقه و همچنین جهان معرفی شده است (همان، ۱۶). اطمینان از ثبات در سین‌کیانگ، هدف و پیش‌نیاز جاده ابریشم چین و رویای کمربند اقتصادی است (Zimmerman, 2015:13).

رئیس‌جمهور چین همچنین در اکتبر ۲۰۱۳ ابتکار جاده ابریشم دریایی<sup>۲</sup> را نیز ارائه داد و هر دو طرح خود را «یک کمربند\_یک جاده»<sup>۳</sup> نامید. مسیر جاده ابریشم جدید چین از مرکز استراتژیک اوراسیا از میان دولت‌های با ذخایر سرشار انرژی و معدنی و پایگاه جمعیتی قابل توجه عبور خواهد کرد. این مسیر از منطقه شیآن<sup>۴</sup> در جنوب چین شروع و به شهر اورومچی در مرز قزاقستان رفته و سپس از ایران، عراق، سوریه و ترکیه عبور خواهد کرد (امیراحمدیان و صالحی دولت‌آباد، ۱۳۹۵: ۱۶). یک کمربند یک جاده، ابتکاری بر اساس چهار هدف به هم پیوسته است: بهبود زیرساخت‌های منطقه، افزایش هماهنگی سیاسی و اقتصادی منطقه، حذف موانع بر سر راه تجارت، تشویق ارتباطات فرهنگی برای پشتیبانی از طرح‌های وسیع‌تر. این طرح کلی برای برنامه‌های زیرساختاری حمل و نقل، انرژی و ارتباطات از راه دور به همراه برنامه‌هایی برای افزایش هماهنگی دیپلماتیک منطقه‌ای، ائتلاف مالی و تغییرات فرهنگی نیز می‌باشد. شی جین‌پینگ عنوان کرد که چین به مبادلات سالانه با کشورها امید دارد که در یک دهه گذشته فراتر از ۲٫۵ تریلیون دلار بوده است. مبادلات چین با منطقه آسیای مرکزی در سال‌های اخیر به صورت قابل توجهی رشد پیدا کرده است و از ۱ میلیارد در سال ۲۰۰۰ به بیش از ۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۳ رسیده است. در جولای

<sup>1</sup>. Old Silk Road

<sup>2</sup>. Sea Silk Road

<sup>3</sup>. One Belt\_One Road

<sup>4</sup>. Xian

۲۰۱۵، وزیر تجارت چین اعلام کرد که در نیمه اول سال، شرکت‌های چینی ۱۴۰۱ قرارداد برای طرح‌هایی امضا کردند که در چارچوب طرح ساخت راه ابریشم جدید جای دارند. این قراردادها ارزشی برابر با ۳۷,۶ میلیارد دلار (با افزایش ۱۶,۷ درصد از سالی به سال دیگر) داشته و برابر با ۴۳,۳ درصد برای تمام قراردادهای خارجی است که در طول این دوره امضا می‌شود (Zimmerman, 2015:7).

ابتکار کمربند و جاده<sup>۱</sup>، یکی از مهم‌ترین تلاش‌های چین برای حل چالش اساسی ژئوپلیتیک است که با آن مواجه است، چیزی که متفکران استراتژیک آن را مورد توجه قرار داده‌اند. این استراتژی، تلاش برای ترکیب تمام عناصر قدرت چینی و استفاده از تمام نقاط قوت وضعف کشور برای هدایت مجموعه وسیعی از منابع ملی در پی یافتن یک هدف سیاسی جامع است. بانک‌های چین، شرکت‌های دولتی، دیپلمات‌ها، متخصصین امنیت، روشنفکران و رسانه‌ها همه خواستار پیوستن به این تلاش شده‌اند (Rolland, 2017:136). شی جین‌پینگ برای تأکید بر اهمیت مفهوم جاده جدید ابریشم بیان کرده که چین عقابی است که می‌تواند بالاتر و دورتر از آن مرتبه‌ای که بال‌هایش، یعنی کمربند اقتصادی جاده ابریشم و جاده ابریشم دریایی، ساخته شده‌اند، پرواز کند (Kaczmarek, 2016:25).

چین برنامه‌های وسیعی را برای احیای جاده ابریشم و پیوند زدن اقتصاد خود با اقتصادهای اروپایی در دست اجرا دارد. در وضعیت کنونی انتقال کالا از چین به اروپا بین ۲۰ تا ۴۰ روز از طریق مسیرهای دریایی به طول می‌انجامد در حالی که اگر زیرساخت‌های مناسبی در مسیر آسیای مرکزی و قفقاز به عنوان پل آسیا و اروپا ایجاد شود این مدت به ۱۱ روز کاهش خواهد یافت. در این راستا، چین سرمایه‌گذاری وسیعی را در بازسازی بزرگراه ۶۱۶ کیلومتری قره‌قوم<sup>۲</sup> که بندر گوادر<sup>۳</sup> را به سین‌کیانگ متصل می‌کند، انجام داده است (امیراحمدیان و صالحی دولت‌آباد، ۱۳۹۲: ۱۷). در سال ۲۰۱۴ رئیس‌جمهور چین گفت، «ثبات طولانی‌مدت سین‌کیانگ برای اصلاح، توسعه، ثبات، وحدت کشور، توازن قومی و امنیت ملی برای احیای قدرت کشور حیاتی است». به علاوه، ثبات و توسعه اقتصادی

<sup>1</sup>. Belt and Road Initiative

<sup>2</sup>. Karakum

<sup>3</sup>. Gwadar

دولت‌های همسایه در آسیای مرکزی به عنوان یک پیش‌نیاز مهم برای تضمین ثبات و امنیت در مناطق غربی چین ضروری هستند (امیراحمدیان و صالحی دولت‌آباد، ۱۳۹۵: ۲۰). اهداف استراتژیک چین از طرح جاده ابریشم جدید را می‌توان این‌گونه بیان نمود؛ (۱) تعمیق همگرایی اقتصادی منطقه‌ای و تضمین جریان انرژی از طریق خشکی از آسیای مرکزی و روسیه به منظور کاهش خطر ممانعت‌های دریایی به خصوص در دو آب‌راه حساس، تنگه مالاکا<sup>۱</sup> (که ۸۰ درصد از ترانزیت‌های نفتی چین با گذر از آن انجام می‌شود) و تنگه هرمز (که حدود دو پنجم از واردات نفتی چین از این تنگه عبور می‌کند). (۲) پیشبرد برنامه‌های توسعه برای آرام کردن سین‌کیانگ. (۳) ایجاد زمینه برای ثبات و یکپارچگی بیشتر در منطقه از طریق محصور کردن همسایگان غربی چین در ناحیه‌ای از رونق و شکوفایی که تا اروپا گسترش می‌یابد و پکن در هسته سیاسی-اقتصادی آن قرار دارد. با انجام این کار، چین قصد دارد تا از ناآرامی گاه و بی‌گاه در استان‌های غربی و داخلی خود در قلب تعامل با آسیای مرکزی و جنوبی بکاهد. (۴) با ساخت یک جاده ابریشم از طریق کشورهای آسیای مرکزی، چین می‌تواند به یک مسیر ترانزیتی زمینی جایگزین برای صدور کالا به اروپا دست یابد. انتقال کالا از مسیر دریایی به اروپا فرآیندی بسیار زمان‌بر است و تقریباً ۲۰ تا ۴۰ روز به طول می‌انجامد، این در حالی است که مسیر زمینی تجاری از سین‌کیانگ به سمت اروپای شرقی، می‌تواند این زمان را به ۱۱ روز کاهش دهد. پکن ابتکارهای خود را به عنوان تلاشی برای تشویق ادغام و رشد اقتصادی در اوراسیا به جای تلاش برای توسعه نفوذ سیاسی خود در منطقه توصیف می‌کند. سیاست‌گذاران چینی جاده ابریشم را به عنوان مکانیسمی برای ترویج صلح و ثبات در منطقه از طریق تقویت روابط دوجانبه چین با همسایگان خود و سازمان‌های بین‌المللی در حال توسعه که تحت تسلط قدرت‌های غربی نیستند، توصیف می‌کنند (همان، ۲۰-۲۲).

یک کمربند یک جاده، نه تنها یک سازوکار برای مقابله با مازاد بازرگانی است، بلکه بسیار بیشتر از این مورد است و دارای ظرفیت بالایی به عنوان یک ابزار توسعه برای کشورهای سراسر قاره است. بدیهی است توسعه، نقش مهمی در حل مشکلات در منطقه برای دولت در تمام سطوح بازی خواهد کرد. با این حال، باید از انتظارات غیرواقعی برای تأثیر فوری طرح جاده ابریشم بر توسعه سین‌کیانگ و حل مشکل جدایی‌طلبی دوری جست و به این موضوع

<sup>۱</sup>. Strait of Malacca

اشاره کرد که این طرح تنها به عنوان یکی از راه‌حل‌های موجود برای چالش‌های منطقه محسوب می‌شود. برای تأکید بر این نکته، می‌توان به ایرلند شمالی اشاره داشت، جایی که ده‌ها سال از مسئله خشونت بین پروتستان‌ها و کاتولیک‌ها می‌گذرد و در این راستا از ابزارهای دیپلماتیک و همچنین اقدامات تجاری و اقتصادی که به طور قابل توجهی سطح زندگی در کشور را افزایش داده، استفاده شده است. با این حال به‌رغم موفقیت میزان توسعه، تقسیمات شدید در ایرلند شمالی همچنان وجود دارد و تأثیر جدی بر زندگی روزمره می‌گذارد. بنابراین جامعه بین‌المللی باید در مورد انتظاراتی که از ایده توسعه حاصل شده است، بسیار محتاط باشد (Brown, 2017:6-7).

۳) سازمان همکاری شانگهای<sup>۱</sup>: از دیدگاه تفکر راهبردی سیاست خارجی چین، سازمان همکاری شانگهای می‌تواند منجر به گسترش نفوذ سیاسی و اقتصادی چین به منطقه آسیای مرکزی شده و عمق استراتژیک چین را در هنگام مقابله با ناآرامی‌های احتمالی گسترش دهد. در واقع، مهم‌ترین هدف چین از تقویت سازمان همکاری شانگهای، تأمین امنیت سین‌کیانگ، تضمین امنیت دستیابی خود به منابع انرژی آسیای مرکزی و نیز فراهم ساختن بازارهای جدید برای کالاهای خود است. بر اساس آمارهای اعلام شده در چند دهه آینده، چین تبدیل به مهم‌ترین مصرف‌کننده انرژی در جهان خواهد شد. از این رو، نگاه چین به سازمان همکاری شانگهای در برآورده کردن انرژی و ایمن‌سازی خطوط انرژی دارای اهمیت بسیار بالایی است (امیراحمدیان و صالحی دولت‌آباد، ۱۳۹۲: ۱۹).

بنابراین می‌توان گفت که سازمان همکاری شانگهای سه مزیت اصلی برای چین ایجاد می‌کند که عبارت هستند از ۱) منابع انرژی آسیای مرکزی می‌توانند نیاز فزاینده چین به انرژی را تأمین کنند. ضمناً وجود یک روسیه ملایم و بی‌خطر به عنوان عضوی از سازمان مذکور، دستیابی چین را به منابع انرژی آسیای مرکزی تسهیل و تضمین خواهد ساخت. ۲) چین از طریق عضویت در این سازمان و با همکاری سایر اعضای آن می‌تواند با خطر فزاینده جنبش‌های اسلام‌گرایانه که از قفقاز تا آسیای جنوبی گسترش یافته‌اند، مقابله کند. ۳) اطمینان از ثبات آسیای مرکزی، دست چین را برای پرداختن به مسئله تایوان و دریای چین جنوبی<sup>۲</sup> باز می‌کند و

1. Shanghai Cooperation Organization

2. South China Sea

چین و افراط‌گرایی برگرفته از منطقه آسیای مرکزی/۹۳

امکان تحقق اصل «چین واحد»<sup>۱</sup> را فراهم می‌آورد. ضمن اینکه دوستی با روسیه، می‌تواند دستیابی چین را به تسلیحات پیشرفته روسی تسهیل کند (قاسمی ۱۳۸۶: ۱۱۸-۱۱۹). در بُعد امنیتی نیز باید گفت که چین به عنوان مهم‌ترین بنیان‌گذار این سازمان در راستای راهبرد ظهور مسالمت‌آمیز خود، سه هدف اصلی را در نظر گرفته است؛ (۱) کاهش تنش در محیط امنیتی آسیای مرکزی و منطقه سین‌کیانگ برای تمرکز بر اهداف اصلی؛ (۲) اطمینان‌بخشی به همسایگان پیرامونی چین؛ (۳) ایجاد موازنه محتاطانه در برابر ایالات متحده (آقایی و راهدار، ۱۳۹۴: ۲۰۳).

یکی از تحلیل‌ها درباره سازمان همکاری شانگهای این است که هدف اصلی سازمان و دلیل اصلی شکل‌گیری و تکامل آن ایجاد ساختاری برای همکاری منطقه‌ای در مقابله با تروریسم در منطقه آسیای مرکزی است. از جمله تحلیل‌گران در این زمینه ریچارد ویتز<sup>۲</sup> است که در تحلیل خود از سازمان بیان می‌کند که روسیه و چین همراه با چهار دولت آسیای مرکزی در قالب سازمان شانگهای در مقابل گروه‌های تروریستی، جدایی‌طلبی و افراط‌گرایی که منابع اصلی بی‌ثباتی منطقه آسیای مرکزی هستند، متحد شده‌اند. سابدون آتال<sup>۳</sup> نیز از این دیدگاه حمایت کرده و می‌نویسد که رهبران چینی از گسترش اسلام‌گرایی در ایالت سین‌کیانگ هراس دارند و روس‌ها نیز از مقابله با جدایی‌طلبان چچن مضطرب هستند (مرادی، ۱۳۸۷: ۱۳۳).

### نتیجه‌گیری

با توجه به مواردی که در این مقاله به آنها اشاره شد، فرضیه این مقاله مبنی بر اتخاذ استراتژی ترکیبی از سوی چین برای مهار افراط‌گرایی در استان سین‌کیانگ مورد تأیید قرار گرفت. چین در بخش اقتصادی، استراتژی توسعه‌بخشی در مناطق غربی را دنبال نمود؛ در بخش امنیتی سیاست سرکوب و در بخش فرهنگی\_اجتماعی سیاست کنترل مذهبی و سیاست تغییر جمعیت را اتخاذ کرد. در بخش خارجی نیز تقویت روابط اقتصادی با همسایگان سین‌کیانگ، سرمایه‌گذاری در بخش‌های انرژی این منطقه، طرح راه‌اندازی جاده

<sup>1</sup>. United China

<sup>2</sup>. Richard Weitz

<sup>3</sup>. Subodh Atal

ابریشم، استفاده از ظرفیت‌های سازمان همکاری شانگهای و تلاش برای ایجاد ثبات در کشورهای همسایه سین‌کیانگ را دنبال نموده است. به نظر می‌رسد با توجه به پوییش و تأثیرگذاری مستمر جریان‌های فراملی و ساختار و سیاست بازیگران نظام بین‌الملل، تنها راه پیشگیری از وقوع این بحران و نیز تداوم آن در آینده، اصلاح ساختار سیاسی مبتنی بر بافت چندقومی جامعه چین است که سیاستمداران چینی تاکنون از اجرای آن غافل مانده‌اند. در غیر این صورت، حتی اگر با اعمال سیاست‌های پلیسی و امنیتی، دولت مرکزی چین بتواند بر این بحران فائق آید، نخواهد توانست به صورت دائم و ریشه‌ای این قضیه را حل و فصل نماید و بحران قومی در سین‌کیانگ به مانند آتش زیر خاکستر در زمانی دیگر و با بهانه و فرصتی دیگر سرپاز خواهد کرد و شعله‌های آن بار دیگر امنیت ملی چین را با تهدید و چالش جدید مواجه خواهد ساخت.

با توجه به اشتراک نظر ایران و چین در رابطه با موضوعاتی نظیر افراط‌گرایی، تجزیه‌طلبی و تروریسم؛ ایران می‌تواند بهترین گزینه برای کمک به رفع مشکلات مسلمانان چین باشد چرا که تنها کشور میانه‌رو و مسلمان و دارای ثبات و جایگاه برجسته در منطقه پرآشوب خاورمیانه است. اهمیت این موضوع زمانی بیشتر مشخص می‌شود که کشورهای نظیر ترکیه، عربستان آمریکا به دنبال دامن زدن بیشتر به این بحران در چین هستند. ترکیه همواره به دنبال تجزیه سین‌کیانگ و تشکیل حکومت مستقل ترکستان شرقی یا اویغورستان بوده و در این راستا، حمایت‌هایی را از جنبش اسلامی ترکستان شرقی و کنگره جهانی اویغور به عمل آورده است. عربستان که خود از بنیان‌گذاران گروه‌های تروریستی در آسیای مرکزی و خاورمیانه است، با قدرت بالای مالی خود این گروه‌ها را حمایت و اندیشه وهابیت را ترویج می‌دهد. آمریکا نیز با استفاده سیاسی از ربیعه قدیر<sup>۱</sup> (که در واشنگتن مستقر است) و ابزار حقوق بشر به دنبال فشار بر چین است (جانسیز و فرضی، ۱۳۹۵: ۱۴). با توجه به ظرفیت پایین ایران برای تأثیرگذاری در سیاست خارجی چین، نفوذ بین مسلمانان سین‌کیانگ می‌تواند فرصت مطلوبی برای ایران جهت متعادل‌سازی روابط خود با چین محسوب شود. در این راستا ایران می‌تواند از طریق دیپلماسی عمومی، تعامل دانشگاهی و دانشجویی، ایجاد و پخش شبکه‌های ماهواره‌ای برای مسلمانان آسیای مرکزی و سین‌کیانگ، ایجاد پیوندهای

<sup>۱</sup>. Rebiya Kadeer

چین و افراط‌گرایی برگرفته از منطقه آسیای مرکزی/۹۵

---

اقتصادی با سین‌کیانگ، کمک به سازمان‌ها و نهادهای آموزشی؛ حوزه نفوذ خود را در چین گسترش دهد. بدیهی است که هر عملی در این راستا باید هوشمندانه صورت گیرد چرا که اگر چین احساس کند که ایران در امور داخلی‌اش دخالت می‌کند، این امر منجر به تیره شدن روابط بین دو کشور خواهد شد. تأکید بر مبارزه با تجزیه‌طلبی، افراط‌گرایی و تروریسم و همچنین احترام به استقلال و تمامیت ارضی کشورها از جمله مؤلفه‌هایی است که ایران می‌تواند با تکیه بر آنها، سوءظن‌های احتمالی را در این زمینه برطرف نماید (همان، ۱۵).

### منابع و مأخذ

- آقایی، داوود و راهدار، حسین (۱۳۹۴)، «نقش سازمان همکاری شانگهای در برقراری نظم مبتنی بر موازنه قدرت در آسیای مرکزی»، فصلنامه *مطالعات اوراسیای مرکزی*، دوره ۸، شماره ۲.
- امیدوارنیا، محمدجواد (۱۳۸۳)، «عوامل غیرسنتی مؤثر بر امنیت در آسیای مرکزی: دیدگاه چین»، مجموعه مقالات *دهمین همایش بین‌المللی آسیای مرکزی و قفقاز*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- امیراحمدیان بهرام و صالحی دولت‌آباد، روح‌اله (۱۳۹۲)، «اهداف و راهبردهای سیاست خارجی چین در آسیای مرکزی»، فصلنامه *آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۸۴.
- امیراحمدیان بهرام و صالحی دولت‌آباد، روح‌اله (۱۳۹۵)، «ابتکار جاده ابریشم جدید چین (اهداف، موانع و چالش‌ها)»، فصلنامه *مطالعات روابط بین‌الملل*، سال نهم، شماره ۳۶.
- بوزان باری (۱۳۷۸)، *مردم، دولت‌ها و هراس*، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بوزان باری (۱۳۷۹)، «آشنایی با مکتب کپنهاگ در حوزه مطالعات امنیتی»، (گفتگو)؛ فصلنامه *مطالعات راهبردی*، سال دوم، شماره سوم.
- بوزان باری و ویور، الی (۱۳۸۸)، *مناطق و قدرتها*، ترجمه رحمان قهرمان‌پور، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پاتنگر، جان (۱۳۸۹)، *اسلام‌گرایی و ایدئولوژی در آسیای مرکزی*، مترجمین: رضا سیمبر و ارسلان قربانی شیخ‌نشین، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- جانسیز، احمد و فرضی، مجید (۱۳۹۵)، «نقش مسلمانان سین کیانگ در همگرایی و واگرایی جمهوری اسلامی ایران و چین»، *اولین همایش بین‌المللی بحران‌های ژئوپلیتیکی جهان اسلام*، ۲۴ و ۲۵ آبان‌ماه، تهران.
- چانگ‌چینگ، جانو و گوانگ‌چنگ، شینگ و گوانگ‌جی، سوان (۱۳۷۹)، *چین و آسیای مرکزی (مناسبات سیاسی، اقتصادی و امنیتی)*، ترجمه محمدجواد امیدوارنیا، تهران: مؤسسه مطالعات خزر.
- رفیع، حسین و بختیاری جامی، محسن (۱۳۹۲)، «استراتژی آمریکا در تقابل با نفوذ اقتصادی و سیاسی امنیتی چین در آسیای مرکزی»، فصلنامه *آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۸۳.
- رفیع، حسین و جانباز، دیان و شیرخانی، آمنه (۱۳۸۸)، «آسیای مرکزی: منطقه‌ای پویا برای فعالان امنیتی»، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، سال دوم، شماره ۳، صص ۶۱-۷۶.
- رمضانی بونش، فرزاد (۱۳۹۲)، «جدایی طلبی در سین کیانگ و رویکرد چینی‌سازی پکن»، *خبرگزاری فارس*، تاریخ دسترسی: تیر ۱۳۹۷، قابل دسترسی در:



چین و افراط‌گرایی برگرفته از منطقه آسیای مرکزی ۹۷/

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13920527000249>

- رضانی بونش، فرزاد (۱۳۹۵)، «نگاه هراس‌گونه چین به داعش در افغانستان»، *خبرگزاری فارس*، تاریخ دسترسی: اردیبهشت ۱۳۹۷، قابل دسترسی در:

<http://af.farsnews.com/politics/news/13950414000547>

- روزنامه شرق (۱۳۹۵)، «وضع قوانین تازه علیه مسلمانان چین»، سال چهاردهم، شماره ۲۷۴۶، ۱۸ آذر، ص ۱۲.

- زارع، محمد (۱۳۹۵)، «تعادل ژئواستراتژیک و جایگاه آسیای مرکزی در سیاست خارجی چین»، مؤسسه مطالعات ایران و اوراسیا، تاریخ دسترسی: شهریور ۱۳۹۷، قابل دسترسی در:

<http://www.iras.ir/fa/doc/note/1211/>

- سلیمی، حسین و هفت آبادی، مریم (۱۳۸۷)، «ملاحظات امنیتی-سیاسی چین در آسیای مرکزی ۲۰۰۵-۱۹۹۱»، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، دوره ۱، شماره ۲.

- شریعتی‌نیا، محسن (۱۳۸۸)، «اویغورها مسلمانان فراموش شده»، *دیپلماسی ایرانی*، تاریخ دسترسی: شهریور ۱۳۹۷، قابل دسترسی در:

<http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/5159/>

- شفیع، مریم (۱۳۹۶)، «گاردین: تغییر اجباری نام کودکان مسلمان چین»، *خبرگزاری ایرنا*، تاریخ دسترسی: مرداد ۱۳۹۷، قابل دسترسی در:

<http://www.irna.ir/fa/News/82553638>

- شکاری، عبدالقیوم (۱۳۸۵)، «مبارزه با تروریسم و جنبه‌های متعارض آن در آسیای مرکزی»، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال پانزدهم، دوره چهارم، شماره ۵۶، صص ۱۰۷-۱۲۰.

- عسگری، محمود (۱۳۸۲)، «منطقه‌گرایی و پارادایم امنیت منطقه‌ای»، *فصلنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی*، شماره ۱۸۷ و ۱۸۸.

- علمایی‌فر، ابوالفضل (۱۳۹۶)، *جامعه، سیاست و اقتصاد در چین امروز*، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، چاپ اول.

- قاسمی، مصطفی (۱۳۸۶)، «بررسی عوامل همگرایی و واگرایی روسیه، چین و هند در قالب سازمان همکاری شانگهای»، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۵۷.

- کرمی، جهانگیر و عزیزی، حمیدرضا (۱۳۹۲)، «روابط امنیتی چین با آسیای مرکزی: از پیوندهای امنیتی تا مجموعه امنیتی منطقه‌ای»، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، سال ششم، شماره ۱۲، صص ۱۳۵-۱۵۴.

- کولایی، الهه (۱۳۸۵)، «سازمان همکاری شانگهای و امنیت آسیای مرکزی»، *پژوهش علوم سیاسی*، شماره سوم.

- محمودزاده، مهدی (۱۳۸۹)، «چین بازیگری مهم در تحولات آسیای مرکزی»، *دیپلماسی ایرانی*، تاریخ دسترسی: اردیبهشت ۱۳۹۷، قابل دسترسی در:  
<http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/8082/>
- مرادی، فتح‌اله (۱۳۸۷)، «سازمان همکاری شانگهای: قدرتی توازن‌بخش»، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۶۲.
- موری، سپاستیانو و تاستی، لئوناردو (۱۳۹۵)، «خیزش افراط‌گرایی در آسیای مرکزی؟ ثبات در هارتلند برای اوراسیای امن»، ترجمه هوشمند مشایخی، *فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، دوره X، شماره XX، سال ۱۳۹۶.
- وردی‌نژاد، فریدون و علمایی‌فر، ابوالفضل و قاضی‌زاده، شهرام (۱۳۹۰)، *ازدهای شکیبا؛ چین دیروز، امروز و فردا*، تهران: انتشارات اطلاعات.
- هوشمند، حسین (۱۳۹۳)، «سین‌کیانگ و تهدیدی به نام افراط‌گرایی؛ سرکوب مسلمانان در چین موجب ظهور داعش می‌شود»، *دیپلماسی ایرانی*، تاریخ دسترسی: شهریور ۱۳۹۷، قابل دسترسی در:  
<http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1944870/>
- Brown, Kathleen (2017), "Xinjiang's Socio-Economic Development: The Role of OBOR", *European Institute for Asian Studies*, EIAS Briefing Seminar, Event Report.
- China Expands Recall of Passports to Uyghurs Outside of Xinjiang, *Radio Free Asia*, 8 December 2017, Available at:  
<https://www.rfa.org/english/news/uyghur/passports-12082017152527.html>,  
Accessed on: 6/8/2018.
- Duan, Jinhui & Wei, Shuying & Zeng, Ming & Ju, Yanfang (2016), "The Energy Industry in Xinjiang, China: Potential, Problems, and Solutions", *POWER magazine*.
- Fuller, Graham E. & Starr, S. Fredrick (2001), *The Xinjiang Problem*, Central Asia\_Caucasus Institute, The John Hopkins University.
- Holdstock, Nick (2014), "Islam and Instability in China's Xinjiang", *The Norwegian Peacebuilding Resource Centre (NOREF)*, Noref Report.
- Idrees, Muhammad (2016), "Radicalization and Violent Extremis in Central Asia and Afghanistan", Norwegian Institute of International Affairs, *Central Asia Policy Briefs*, No. 41.
- Kaczmarek, Marcin (2016), "'Silk Globalisation' China's Vision of International Order", *Centre for Eastern Studies, Point of View*, Number 60.

- Lynn, Adam (2018), "App Targeting Uyghur Population Censors Content, Lacks Basic Security", *Open Technology Fund (OTF)*, 9 April 2018, Available at: <https://www.opentech.fund/news/app-targeting-uyghur-population-censors-content-lacks-basic-security/>, Accessed on: 8/10/2018.
- Meyer, Patrik (2016), "China's De-extremization of Uyghurs in Xinjiang", *International Security*.
- Mumford, Andrew (2018), "Theory-Testing Uyghur Terrorism in China", *perspectives on Terrorism*, Volume 12, Issue 5.
- Patrick, Shawn M. (2010), "The Uyghur Movement: China's Insurgency in Xinjiang", *Monograph of School of Advanced Military Studies (SAMS)*.
- Qio, Emily (2014), "Ethnic Conflict in Xinjiang: A Multifaceted Evaluation", *the Monitor*.
- Rolland, Nadege (2017), "China's 'Belt and Road Initiative': Underwhelming or Game-Changer?", *Routledge, The Washington Quarterly*.
- Rumer, Eugene B. & Trenin, Dmitri & Zhao, Huasheng (2007), *Central Asia: Views from Washington, Moscow, and Beijing*, M.E. Sharpe, Routledge.
- Warikoo, K. (2016), "Xinjiang \_China's Northwest Frontier", *Routledge*, University of California, San Diego.
- Wei, Shan & Cuifen, Weng (2012), "China's New Policy in Xinjiang and its Challenges", *East Asian Institute*, National University of Singapore.
- Wong, Edward (2016), "Police Confiscate Passports in Parts of Xinjiang, in Western China", *New York Times*, 1 December 2016, Available at: <https://www.nytimes.com/2016/12/01/world/asia/passports-confiscated-xinjiang-china-uighur.html>, Accessed on: 6/10/2018.
- Wong, Ming T. (2003), "Xinjiang and China's National Security: Counter-Terrorism or Counter-Separatism?" , *U.S. Army War College*.
- Wu, Xiaogang & Song, Xi (November 2013), "Ethnicity, Migration, and Social Stratification in China: Evidence from Xinjiang Uyghur Autonomous Region", *Population Studies Center*, Research Report.
- Yin, Weiwen (2015), "The Natural Resource Curse in Xinjiang", *CEU Political Science Journal*, Feb-Apr2015, Vol. 10, Issue 1/2.
- Zimmerman, Thomas (2015), "The New Silk Roads: China, the U.S., and the Future of Central Asia", *Center on International Cooperation*, New York University.